

برندگان قطعی انتخابات

مصطفی تاجزاده:

هرگز نگفتیم تقلب شده است

گفتگوی اختصاصی ضربان
با سید مصطفی تاجزاده

روحانی نامزد اصلاح طلبان نبود

مقصر وضع اقتصادی، رهبری و شورای نگهبان



شماره هفتم

آبان ۱۳۹۹

علوم پزشکی زنجان

zaraban_zums

ماهنامه دانشگاه

pulsy_plus

بنده در دفاع از جامعه نخبگان و از حرکت

علمی کشور تانفس دارم ذره ای کوتاه نخواهم آمد

امام خامنه ای

او چگونه شد؟ سمپعی



کارشناسی ارشد

هوشبری

ویرایش اپیدمی

ایزود دوم نبرد بی پایان با اپیدمی ها

او یک دیوانه ی
بی دین است

اندرر پیچ خم های IVF

قرص گیاهی آرترو دین

لوله های خود را روغن کاری کنید

صاحب امتیاز:

معاونت رسانه بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی زنجان

سردبیر و مدیر مسئول:
امیر کسرای فرد

مسئول تیم علمی:
علیرضا ملائی

مسئول تیم اجتماعی:
سجاد عباسی

رسانه:

حسین رفیعی زاده و محمدمهدی احمدی

ماهنامه علمی اجتماعی ضربان
دانشگاه علوم پزشکی زنجان
شماره هفتم
آبان ماه ۱۳۹۹
صفحه ۱۶

گفتگوی اختصاصی با مصطفی تاجزاده..... ۴
دیوار بلند بی اعتمادی..... ۷
کلاکت پالس؛ کیمیاگر تمام فلزی..... ۱
کتابخور؛ جنگ و صلح..... ۱
خودمونی..... ۹
پالس مدیا..... ۹

او چگونه سمیعی شد..... ۱۰
دارو کده، آرترودین..... ۱۰
نوبلوژی، او یک دیوانه بی دین است..... ۱۱
کارشناسی ارشد هوشبری..... ۱۲
ویرایش اپی دمی..... ۱۴
ایران ما..... ۱۴

گفتگو اختصاصی ضربان

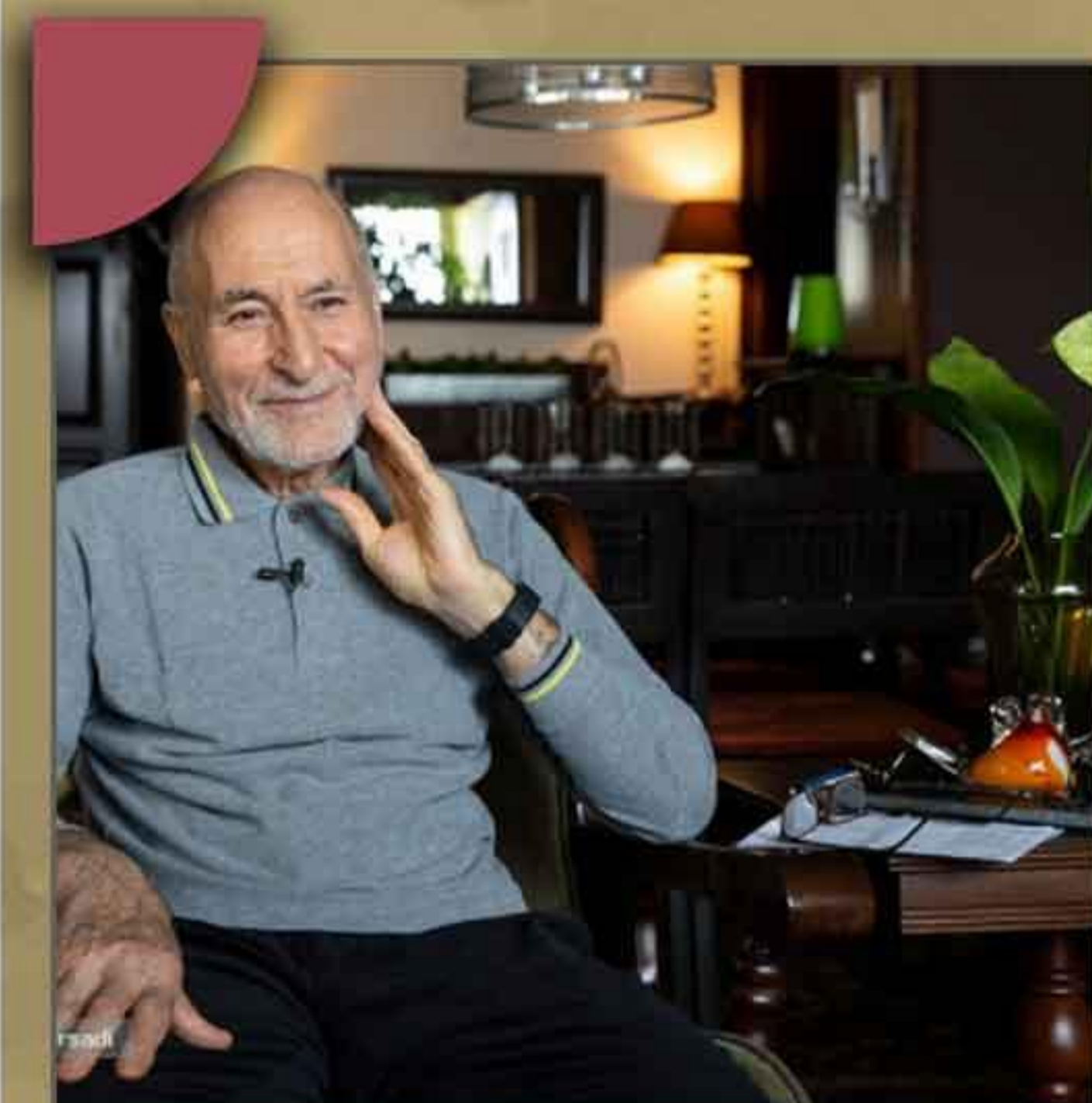
در این شماره به سراغ مصاحبه با چهره ای رفیقیم که اگر بگوییم بزرگترین شخص رسانه ای اصلاحات، عراق نکرده ایم؛ سید مصطفی تاجزاده



در کنار پرداختن به گفتگو اصلی در حاشیه متن، بخش هایی خواهیم داشت؛ صرفاً جهت اطلاع، که شامل حقایقی مستند می باشد که شاید ربطی به مصاحبه نداشته باشند، شاید هم بی ربط نباشند.



نباید این فرصت را از دست داد، حالا که اومده خوش آمده، ما جنگ می کنیم، مانمی توانیم ملت عراق را تنها بگذاریم، این برای ما ننگه، برای ما عاره، ای آیت الله، رهبر عالیقدر، آقای خامنه ای، دستور بفرمایید... سال ۱۳۶۹ - مجلس



بهباد نبوی در دیداری با دانشجویان دانشگاه تهران خواستار بهره گیری از این فرصت برای حمله به اسرائیل و جنگ با آن شد: «این جنگ فرصتی تاریخی برای حمله به اسرائیل به وجود آورده بود که از دست رفت... وظیفه ما این بود که به هر طریق ممکن است سمت و سوی جنگ را عوض می کردیم. ما می بایست در سیاست خارجی و مواضع مان در قبال عراق، این نکته محوری را نصب العین قرار می دادیم.» «سلام، ۹/۱۲/۶۹، به نقل از تکثیر گرایان در جریان اسلای، صفحه ۲۳۹»



سلام و عرض ادب آقای تاجزاده خیلی ممنون که پذیرفتید با نشریه ضربان، مصاحبه ای داشته باشیم. برای اینکه وقت شما هم گرفته نشه، اجازه بدید سریع وارد جریان مصاحبه بشیم آقای تاجزاده همانطور که خودتون مطلعید جریان اصلاحات در طول این چهل سال دچار استحاله عظیمی شده، بطوریکه امروز جمهوری اسلامی را بخاطر اعمالی سرزنش می کنند که اگر به گذشته برگردیم مشاهده می کنیم که خود این افراد پایه گذاران این سنت های بقول شما ارتجاعی و افراط گونه بوده اند. این استحاله شامل اکثریت اعضای این تفکر هم می شود از خود شما و آقایان خاتمی، محتشمی پور، موسوی خوئینی ها تا افرادی مثل آقای زیباکلام تا جایی که تا سال ۶۹ (یک سال پس از جنگ هشت ساله و فقدان توان نظامی) آقایان محتشمی پور و خلخالی و... در مجلس آقای بهزاد نبوی در تریبون های دیگر خواستار جنگ با آمریکا و کمک به صدام می شوند. اما سوال اینجاست، آیا جریان اصلاحات این گذشته را به یاد دارد؟ در ادبیات اصلاحات این مواضع جنگ طلبی و هزینه زایی نیست؟ و چه شد که این افراد تندرو و شاید جنگ طلب دیروز، امروز تغییر موضعی صدوهشتاد درجه ای دارند؟

اگر منظور شما از استحاله اینست که جناح اصلاح طلب در مجموع تغییراتی در گفتمان خودش داده است، بلکه پاسخ مثبت است و معتقدیم با تغییراتی که در جهان رخ می دهه هر نیروی سیاسی لازمه هر از جندی تغییراتی در موضع خودش بده و اصلاحاتی رو انجام بده و وقتی انقلاب پیروز شد، جهان در نظامی دو قطبی و در جنگ سرد بود، با فروپاشی شوروی نظم بین الملل تغییر کرد که تبعاً بدنبال آن هر نیروی سیاسی ای باید در گفتمان خود تغییری بدهد بنابراین خیلی روشن بگوییم بلکه ما در برخی از دیدگاه های خود تجدید نظر کردیم، و این کار را همه کردند و هیچ نیرویی نیست که در چهل سال گذشته چنین تغییراتی را نداشته باشد، از شخص رهبری گرفته را جناح اصولگرا، امروز شما نمی توانید بخش قابل توجهی از خطبه های آیت الله خامنه ای را در زمانی که رئیس جمهور بود را پخش کنید، چون در تعارض با نظرات فعلی ایشون هست، از دفاع از آزادی ها و حقوق شهروندی گرفته تا مسئول بودن حکومت از راس تا ذیل در برابر فقر فساد و تبعیض و گرانی تا نفی دخالت نظامیان در امور سیاسی و انتخاباتی، بنابراین هیچ کدام از رسانه ها پخش کننده این سخنرانی ها نیستند. خب شما نام این را چه می گذارید؟ رهبری استحاله یافته؟ دیدگاه هاش تغییر کرده؟ البته از نظر شما ممکنه این تغییرات مثبت بوده باشه اما از نظر ما منفییه بنابراین این یک واقعیت است که تمام نیروها مواضعشون تغییر کرده اما پرسش بسیار استراتژیک اینست که این تغییرات در جهت منافع و خواسته های ملی شکل گرفته و یا در تضاد با آن بخصوص در ارتباط با نسل جوان و آیا ما همچنان به شعار های اصلی که انقلاب بر پایه آن ها شکل گرفت پایبند هستیم یا مثل فاشیست ها همینکه خرمان از پل گذشت و با انتخابات بر سر کار آمدیم، فاتحه انتخابات را بخوانیم. آیا همه پرسشی که یک حق قانونی در قانون اساسی به عنوان حق اساسی برای مردم مادر نظر گرفته شده، آن را جزو اصول انقلاب می دانیم و یا بعنوان یک زائده ای می دانیم که به ما تحمیل شده و الان مطالبه آن باعث زندان می شود. پس بر اساس این معیارات، جریانی که استحاله یافته، نه جریان اصلاحات بلکه جریان منسوب به رهبری می باشد تا جاییکه امروز هیچ کدام از افرادی که خود را ذوب در ولایت میدانند از جمله شما دغدغه آزادی ندارید که بزرگ ترین ارزش انقلاب بود و جزو اصول اولیه انقلاب بود و این همه شهید دادیم!!! که مردم بتوانند راحت حکومت را نقد بکنند و حکومت هم از راس تا ذیل است نه اینکه نتوان به رهبری انتقاد کرد خوب است دوستان مواضع تک تک افراد را در سال های اولیه انقلاب، تا رهبری آیت الله خامنه ای و بعد آن را بررسی کنند تا مشخص شود کدام جناح استحاله یافته و کدام با تفکر با اصول انقلاب و مردم مانده است و البته! مطابق با تغییرات جهان حرکت کرده و نه اینکه در چهل و دو سال پیش فریز شده باشد و هنوز جنگ سردی برخورد کند. در باره قسمت دوم سوال؛ وقتی آمریکا به عراق حمله کرد تا عراق را از کوییت خارج و رژیم بعث را سرنگون کند، در ایران بطور عمده سه نفر

نفر یعنی آقایان مشکینی و حائری شیرازی که یکی رئیس مجلس خبرگان و دیگری هم اما جمعه شیراز بود و آقای محتشمی پور خواهان مشارکت در جنگ با آمریکا شدند و البته شما به اشتباه از آقای بهزاد نبوی هم نام بردید که درست نیست؛ این موضع از نظر بنده قابل قبول نیست و بنظرم رهبری درست تصمیم گرفتند و ایران را از جنگ دور نگه داشتند، و اینجا باید بگم انصاف اینست که بگوییم رهبری در سی سال گذشته با استراتژی ای که داشته، ایران را از جنگ در خاک خودش دور نگه داشته است. اگر چه متأسفانه ما در سوریه وارد جنگ نیابتی و پیشگیرانه شدیم اما در هر صورت رهبری در ایران توانسته کشور را از جنگ دور نگه دارد و از این نظر قابل تقدیر است و اما انتقاد بزرگ وارد بر ایشون اینست که ایشون به هیچ وجهی این حساسیت را نسبت به تحریم نداشتند. به همین علت هم شعارشون نه جنگ نه مذاکره شد نه «نه جنگ نه تحریم»، و توجه نداشت که «نه جنگ نه مذاکره» یعنی نه جنگ نه صلح و این می تواند مشکلات زیادی را برای کشور ایجاد کند که عملانیز کرده است. بطوریکه امروز هیچ جناحی نمی تواند بدون لغو تحریم ها به مصاف گرانی تورم و بیکاری گسترده رود. اما اینکه پرسیدید این مواضع جنگ طلبی هست، بله؛ اما این مواضع تنها مربوط به آن بزرگواران نبود. زمانی که طالبان چند تن از دیپلمات های ما را در کنسولگری ایران در افغانستان به شهادت رساند، عده ای در صدد برآمدند که ایران را وارد جنگ با طالبان کنند که خوشبختانه مواضع رهبری و آقای خاتمی در آن زمان مخالفت قاطع با ورود ایران به جنگ بود.

بله ممنون، معمولاً در مصاحبه ها روال بر پاسخ دادن توسط پرسشگر نیست اما چون خود شما سوالی رو در مورد استحاله رهبری فرمودید اجازه بدید پاسخ بدم: اول اینکه اصلاح و تغییر به هیچ وجه بد نیست اما از این ور بوم به اون ور بوم افتادنه که مذمومه. و دوم اینکه استحاله اصلاح طلبان با یکسری فکت ها بیان شد اما استحاله ای که شما در مورد رهبری فرمودین صرف تحلیل شماسه. چرا که اگر دیروز رهبری از آزادی دفاع میکردند امروز هم همین کار رو میکنند اما تحلیل شما اینه که امروز ایشون نظر دیگری دارند، بهرحال. اما این تحلیل ما نیز به زاویه دید ما برمیگرده، در اوایل انقلاب که ما دچار افراط و تندروری بودیم، ایشون رو عقب تر می دیدیم و از این نظر بر ایشون خرده می گرفتیم، و امروز که دچار تقریب هستیم ایشونو جلوتر می بینیم و از این نظر بر ایشون خرده می گیریم، با اینکه ایشون در نقطه اعتدال ساکنن و ماییم که بر دایره افراط و تقریب در حال دورانیم. ایشون همون آیت الله خامنه ای هستن که در اوایل انقلاب در مقابل کسانی که ارتش را طاغوتی و شاهنشاهی می نامیدند ایستاد، امروز هم در برابر همان افراد که سیل جدیدشان سپاه می ایستن ایشون همون کسی هستند که دیروز در نماز جمعه در برابر کسانی ایستاد که اون روز به فعل «دیوار کشیدن» در کلاس دانشگاه ها علاقه داشتن و امروز به لفظ «دیوار کشیدن» برای نیل به اهدافشون. رهبری در برابر هر دو موضع این افراد ایستاد. دیروز رهبری در برابر افرادی می ایستاد که اون روز به جنگ علاقه وافر داشتن و امروز به استفاده از واژه جنگ. بهرحال سوال بعدی بنده از شما در مورد مصاحبه ایه که آقای عبدخدایی (معاون آقای خاتمی و همکار شما در وزارت فرهنگ و ارشاد) داشتن و فرمودن که شما و آقای خاتمی از مخالفان سرسخت آزادسازی ویدیو در کشور بودید؟ تایید می کنید مصاحبه ایشونو؟

باز هم عرض می کنم که هیچ تفکری رو پیدا نخواهید کرد که در این سال ها تغییر نداشته باشد. چه جریان اصلاحات چه شخص رهبری و چه حتی بنیان گذار انقلاب، اگر تغییر یعنی استحاله چرا این لفظ رو برای رهبری به کار نمی برید؟ و اگر نیست بلکه مواضع جناح ها تغییراتی داشته که ما هم جزو آن ها که باز مهم این است که این تغییر در جهت دموکراسی بوده یا در جهت استبداد بوده، در جهت خواست ملت بوده یا در برابر آنها بوده، بنده معتقدم که تغییرات اصلاحات در طول سالیان گذشته در مجموع مثبت بوده و بر عکس تغییرات رهبری در



دونالد ترامپ، با اینکه پیش از اعلام قطعی نتایج، در اقدامی غیر حرفه ای خود را پیروز انتخابات نامید، اما با این وجود پس از اعلام نتایج، تا به اینجای کار شکایت خود را به مراجع قانونی سپرده است





مصاحبه معاون سید محمد خاتمی ببینید، در این کشور دستگاه فیلم ویدئو ممنوع شد، چه کسی ممنوع کرد؟ آقا ممنوع کرد؟ امام ممنوع کرد؟ حوزه علمیه ممنوع کرد؟ چرا ممنوع شد؟ دادستانی موظف بود برود داخل خانه‌ها آن را به عنوان اشیاء ممنوعه بگیرد و بیاورد و بعد می‌داد ارشاد و دوباره با برگ سبز وارد می‌شد. یادم هست رفته بودم اجلاس توریسم در پاریس، داشتم برمی‌گشتم در هواپیما برگه‌هایی می‌دادند که چه چیزهایی در ایران ممنوع است. مثلاً مواد مخدر، ورود اسلحه، ورود مشروبات الکلی و دستگاه و فیلم ویدئو و... یک آقای به مهماندار می‌گوید من دوربین ویدئو دارم با آن چه کنم؟ مهماندار می‌دانست من معاون گردشگری هستم گفت از آن آقا بپرس، آن آقا با لهجه صحبت می‌کرد و گفت با این چه کنم؟ من هم نمی‌دانستم چه بگویم! گفتم بیایید فرودگاه راهنمایی می‌کنند که چه کنید. من آمدم در جلسه معاونین این را مطرح کردم که چرا ما این کار را می‌کنیم؟ آقای تاجزاده روبروی من بود گفت:

آقا رفته فرنگ متجدد شده!

و یکسری آقایان ما را هو کردند که چنین سخنی را گفتیم. بعد آقای خاتمی گفت:

پس مواد مخدر را هم آزاد کنیم!

من گفتم آقا ماهیت مواد مخدر مشکل دارد، آخه دوربین چه مشکلی دارد؟ پس شما دوربین عکاسی را هم ممنوع کنید چون ممکن است با دوربین عکاسی عکسهای پورنوگرافی گرفته شود.



اطلاعات سپاه
تاسیس: همزمان با تاسیس سپاه پاسداران (۱۰ سال قبل رهبری آیت الله خامنه ای)
تبدیل معاونت به سازمان: سال ۸۸

نظارت استصوابی (از بدعت های زمان رهبری)
مطابق قانون اساسی
پیش نویس قانون اساسی توسط تیم حسن حبیبی (نهضت آزادی) نوشته شد. و مجلس خبرگان قانون اساسی به ریاست مرحوم **منتظری** آن را تایید کرد.

خلاف خواست مردم و اهداف انقلاب بوده. آقای خامنه ای از جمله کسانی بود که در سال های قبل رهبری ایشان به شدت مخالف اطلاعات سپاه بودن و در سال های رهبری خود در کنار وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه را تشکیل دادند و عملیات نیروهای مسلح را در زمینه اطلاعاتی دارای نقش کردند، و فقط به همین هم محدود نمیشد، همانطور که آقای رضایی اعلام کردن در انتخابات مجلس پنجم رهبری از فرماندهان سپاه خواست که در انتخابات فعال شوند و نتیجه انتخابات را به سود جامعه روحانیت تغییر بدهند. همچنین رهبری قبل از انقلاب از موسسان یکی از حزب های اصلی کشور بود اما من از شما می پرسم آیا بعد از رهبری در مورد حزب، نظام حزبی و تقویت حزب سخنی گفته اند؟ این که شما حزب را حذف می کنید چیزی جز باندهای قدرت که به دنبال به قدرت رسیدن اند باقی نمی ماند. یا نظارت استصوابی که از بدعت های زمان ایشان است!!!!!! و از این موارد زیاد است... در مورد سخنان آقای عبدخدایی باید عرض کنم که اگر «مجموعه» سخنانی که ایشان گفته درست باشد، آقای خاتمی و همکارانش در وزارت ارشاد باید منفورترین مدیران بین اهالی فرهنگ و هنر بودند، مثل دوره های بعدی که جز با غضب از آن ها نام نمی برند اما چرا از همان تودیع آقای خاتمی در سال ۷۱، قاطبه هنرمندان (سلبریتی ها) از آقای خاتمی قاطعانه حمایت کردند. اگر ایشان دیدگاه تنگی می داشت، باید منفور می بود، نگاه کنید بعد از ایشان چند وزیر دیگر آمده، جز یکی، کدام نام نیکی از خود بر جا گذاشته است بنابراین اینکه آقای خاتمی یا هر کس دیگری در دوران خدمتش موضع اشتباهی گرفته، با شما موافقم، ما معصوم نیستیم. البته آن چه از تاریخ بر می آید حتی معلوم نیست معصوم هم در عرصه حکومت و عزل و نصب های خودش خطانداشته باشد.

فرمودید که آیت الله خامنه ای قبل از رهبری، از مخالفان اطلاعات در نیروهای مسلح بودند؟ سندی برای این ادعا وجود دارد؟ چون تا بحال چنین مطلبی نشنیده بودیم، و البته نقل قولی که از طرف آقای رضایی در رابطه با دخالت در انتخابات مطرح کردید، سندی برایشون موجوده؟

این رو من از خاطره گفتم و سندی برایشون ندارم، منتهی شما اولی رو می تونید از بیت رهبری بپرسید. در مورد آقای رضایی هم یادم نیست کجا خونده بودم، یک جایی ایشان در جلسه خصوصی گفته بود که بعد توضیح داده بودن این ماجرا رو. که میتونید از خودشون هم سوال بپرسید، احتمالاً هم تایید بکنند، هر چند بعید نیست از ایشان، که تکذیب کنند

بله خیلی ممنون!!!!!! بهرحال، بریم سراغ سوال بعد شما در پیام هاتون از نهادی به عنوان دولت پنهان نام میبرید که در کار دولت اصلی دخالت می کنه، میشه بطور روشن این نهاد را نام ببرید و اینکه توضیح بدید دخالت این دولت پنهان در کار دولت اصلی به چه شکل است؟

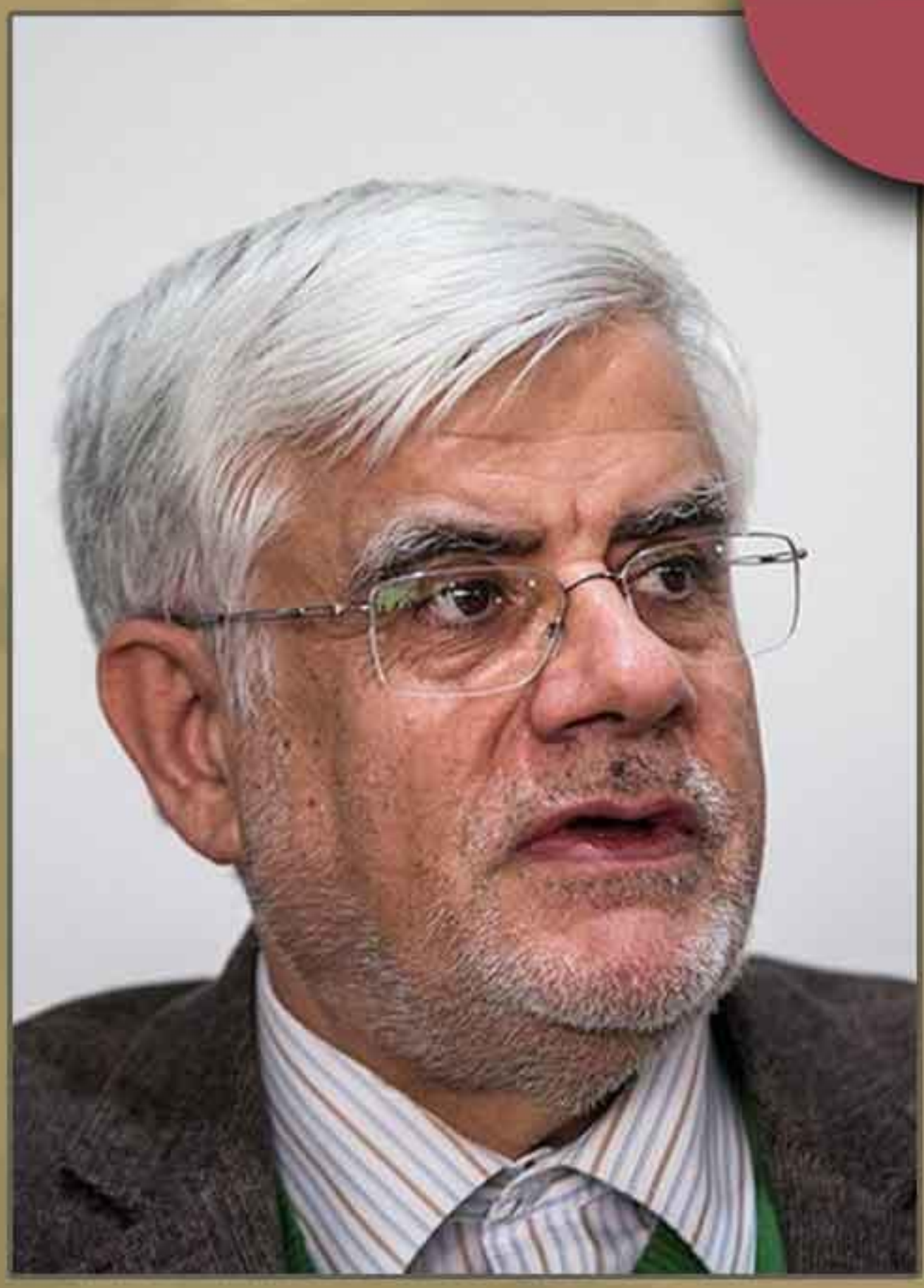
منظور بنده کسانی هست که قدرت دارند اما مسئولیت نمی پذیرند. و اساساً یکی از بزرگترین مشکل کشور را شکاف بین قدرت و وظایف و پاسخگویی می دانم که از رهبری شروع می شود و به جناح انتصابیون کشیده می شود. که قدرت دارند اما به احدی پاسخگو نیستند که نتیجه اش باعث شکاف بین حکومت و ملت می شود که بقول آقای باهنر یک اعتراض به قیمت بنزین پتانسیل تبدیل به یک انقلاب علیه حکومت را دارد. یعنی نظامی که مردمی ترین نظام تاریخ ایران بوده، هیچ نظامی به این شکل، مردمی، در تاریخ این کشور بوجود نیامده که البته به دلیل حسادت ها، انحصارطلبی ها و و میلیون ها ایرانی را در مقابل خود قرار داده و البته باید با این پدیده به شکل درست نه با نگاه امنیتی و پلیسی برخورد بشه که امیدوارم رهبری در این باره فکر عاجل بکنه. دولت پنهان از نظر من از دسته از مقاماتی اند که در عرصه های مختلف سیاسی و رسانه ای و انتخابات دخالت مستقیم می کنند و در برخی از زمینه ها علیه دولت موجود کارشکنی می کنند و نه تنها مسئولیت نمی پذیرند بلکه مسئولیت

اقدامات خودشان را به دوش مردم می گذارند و در نهایت هم می گویند که علت مشکلات مردم انتخاب غلط مردم است نه دخالت های بیجای ما. این افراد در برخی از قسمت ها و فرماندهان سپاه نفوذ دارند و آن ها را به استخدام خود گرفته اند.

دولت پنهان یعنی اینکه دولت قانونی برجام را امضا می کند، دولت پنهان می کوشد که برجام را سرنگون کند، از اینکه سردار نقدی می آید و می گوید هیچ عاقلی در ایران سرمایه گذاری نمی کند تا به طرف های غربی اعلام کند هیچ کسی نباید در ایران سرمایه گذاری کند تا اینکه اعلام میشه برجام نباید به مسائل منطقه بپردازه و در یک کلام صدا و سیما را چنان به خدمت خودشان می گیرند که باور کردنی نیست در صداوسیما ضدامریکایی سخنان وزیر امریکا که طبعاً به سود امریکا در مورد برجام سخنرانی می کند را پخش می کند اما سخنرانی آقای ظریف در مجلس در برجام را که تبعاً از موضع منافع برجام برای ایران است پخش نمی کند که به جامعه بگوید برجام یک پروژه آمریکایی است تا آن را به شکست بکشاند، تا تحریم ها برگردد و اصلاح طلبان شکست بخورند تا قدرت را بدست بگیرند. سپاه با بودجه بیت المال امپراطوری رسانه ای تشکیل داده است از روزنامه ها و خبرگزاری ها گرفته تا برخی شبکه های صداوسیما. یکی نیست بگوید کدام کشور دنیا نظامیان مثل یک حزب نامزد تعیین می کنند، نامزد تعیین صلاحیت می کنند و... دخالت های سپاه در اقتصاد هم که اظهر من الشمس است که با این کار بخش خصوصی را تضعیف می کند و روز به روز بر اقتدار سپاه می افزاید و دولت قانونی را تضعیف می کند و همینطور امروز منطقه دست سپاه قدس است نه وزارت خارجه. به نظر من امروز برای هیچ دولت قانونی مجال و اختیاری نیست مگر اینکه هر ارگانی که قدرت دارد خود پاسخگو باشد. بنده پیشنهاد کردم برای رفع این دوگانگی که یک طرف اختیار و قدرت دارد اما مسئولیت نمی پذیرد و یک طرف دولت قانونی که پاسخگو است، اما اختیارات کافی ندارد، رئیس جمهور با رهبر ادغام شود و کل کشور در اختیار رهبر قرار بگیرد و البته انتخاباتی شود تا سر از استبداد در نیارد. پس اگر رهبر اقتصاد کشور را دوا کرد مردم دعاگوی او خواهند بود و اگر بد عمل کرد مورد انتقاد واقع می شود و باید صحنه را ترک کند.

آقای تاجزاده وقتی ما از علیت حرف می زنیم، یعنی هر معلولی باید علت و یا علل مربوط به خودش رو داشته باشه برای مثال در امریکا که علاقه زیادی بهش دارید، اگر مشکل اقتصادی وجود داشته باشد هرگز تیم رسانه ای رئیس جمهور نمی گویند چون supreme court بر روی مصوبات مجلس نظارت دارد و از طرفی مجلس دارد به نهاد رای می دهد، به این دلیل اقتصاد مشکل داره، و صد ها شبهه ساختاری دیگر در کشور های مختلف، صد البته که محل بحث هم هستند این موارد اما نه در پاسخ به معلولی که هیچ ربط منطقی ای برایش وجود نداره. اما در کشور ما، تفکری که در این چهل سال امور اجرایی و قانونگذاری را مستقیماً در دست داشتند بجای پاسخگویی در برابر عملکردشان کلیدواژه هایی تکراری و نامربوط مثل نظارت استصوابی، شورای نگهبان و رهبری را مطرح می کنند؛ بنظر شما این ادراک غلط دادن نیست که باعث شده هیچ وقت به مقصد نرسیم؟

اولاً اطلاعات شما در مورد دادگاه های عالی در کشورهای دموکراتیک و نظارت هایی که بر آنها صورت می گیرد دقیق نیست و در بسیاری از موارد نادرست است اما با وجود این من سعی می کنم در مورد وضعیت خود ایران بگم، ما در چهل سال گذشته در دو دولت حضور جدی داشتیم، دولت آقای مهندس موسوی و دولت آقای خاتمی، نسبت به این دو دولت کاملاً پاسخگو هستیم و معتقدیم عملکرد هر دو با توجه به جمیع شرایط مثبت بوده و از آنها دفاع میکنیم اما دولت های دیگر در اختیار ما نبوده حتی اگر به آنها رای داده و از آنها دفاع کرده باشیم چون شورای نگهبان مانع از حضور نامزد های خود ما در انتخابات شده. بنابراین این اشتباه رایجی است که گویی کل دولت در این چهل سال در اختیار اصلاحطلبان بوده اما علت اینکه ما از دولت پنهان



محمد رضا عارف

سیاستمدار اصلاح طلب
معاون اول سید محمد خاتمی
کاندید اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲
پس از یک ماه فعالیت انتخاباتی، چهار روز پیش از انتخابات، پس از دریافت نامه ای از طرف سید محمد خاتمی، به نفع روحانی انصراف میدهد



محمد علی ابطی

(رئیس دفتر سید محمد خاتمی)
خرداد ۹۶: اصلاحات روحانی است

سال ۹۹: دولت آقای روحانی هیچگاه ادعای اصلاح طلبی نداشته و شخص آقای رئیس جمهور نیز هیچگاه اصلاح طلب نبوده است؛ و اصلاح طلبان به عنوان تنها انتخاب خود از ایشان حمایت کردند



صرفا جهت اطلاع



سهم گرایش ها در مجلس خبرگان فعلی

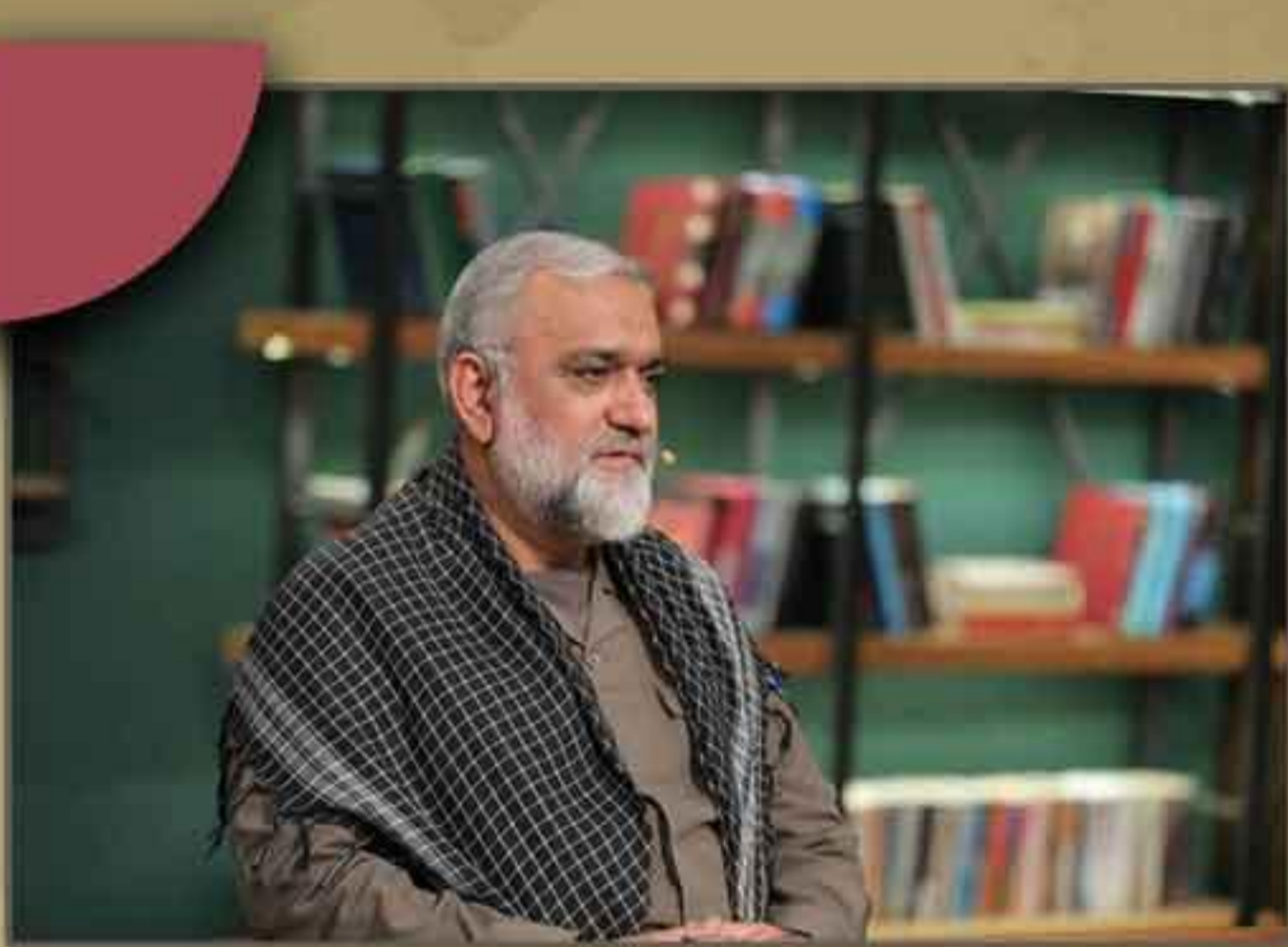
لیست اصولگرایان:۳۸درصد

اصلاح طلبان به سرلیستی حسن روحانی و مرحوم هاشمی: ۲۳ درصد
مستقلان (بصورت عمده در اتحاد با لیست اصلاح طلبان):۲۵درصد



صوت منتشر شده از سید مصطفی تاجزاده در حلقه دوستان:

برای بنده که تجربه انتخاباتی دارم، می دانم در انتخابات تقلب نشده است؛ ممکنه که یکجا یک میلیون عقب جلو شده باشه، ولی ما نتیجه انتخابات را باختیم؛ حالا به جای ۲۵ میلیون و ۱۴ میلیون شاید ۲۴ میلیون ۱۵ میلیون مثلا



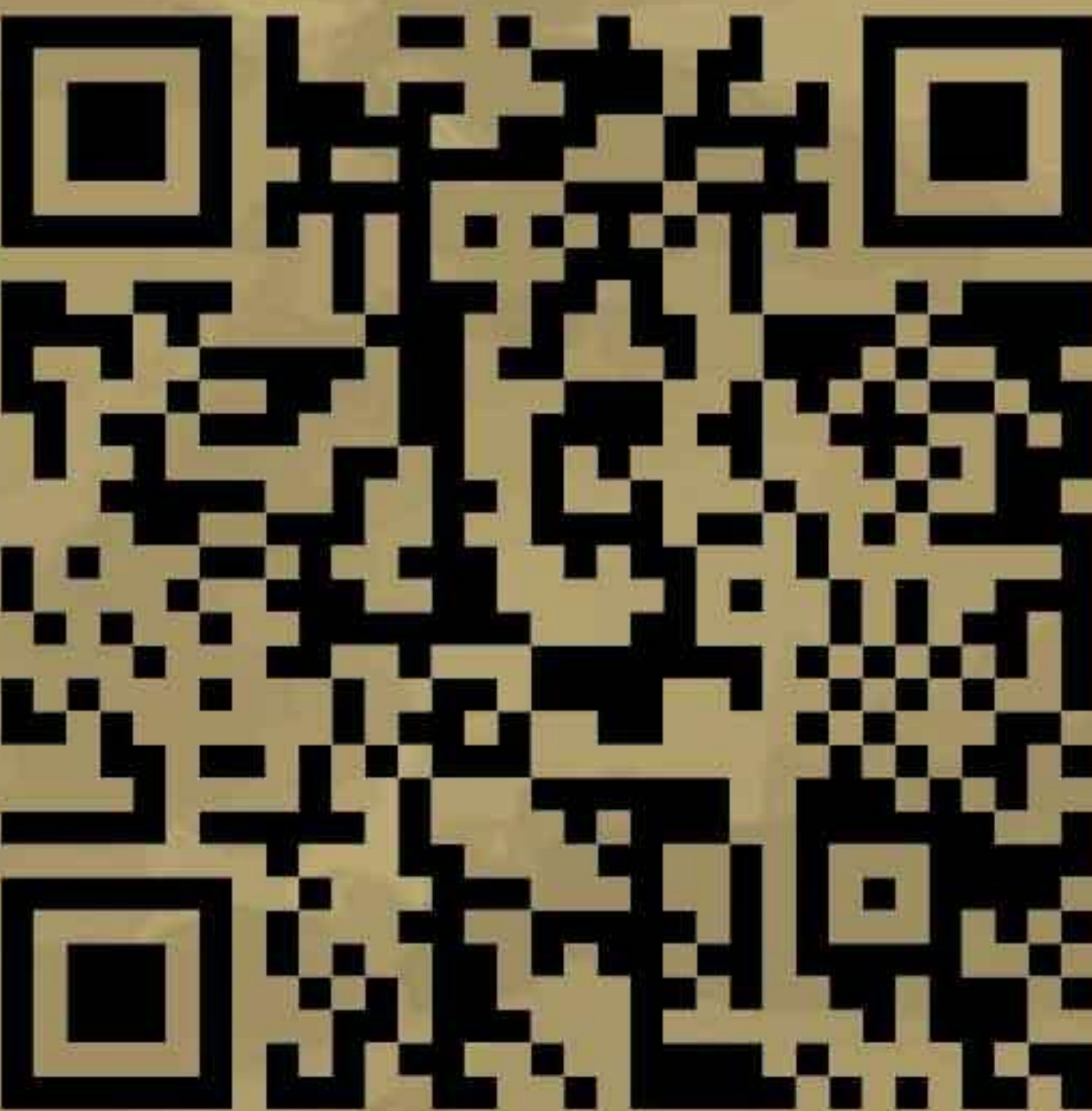
کامل نقل قول اشاره شده در متن

سردار نقدی:

براساس اقتصاد مقاومتی نمی توانید به سرمایه های دشمن اتکا کنید زیرا هر لحظه ممکن است از بین برود. ما توافقنامه ای را امضا کرده ایم که تحریم ها با سیستم خودکار و لحظه ای قابل برگشت است و هریک از طرف های متخاصم اراده و طرح شکایت کنند به طور خودکار بعد از شصت روز همه تحریم ها بر می گردد. کدام سرمایه دار غربی عاقلی حاضر است در جایی که هر لحظه ممکن است تحریم ها برگردد سرمایه گذاری کند؟

دانلود صوت سخنان سردار مشفق

↓ اشاره شده در مصاحبه



سخن می گویم که در هیچ کشوری سابقه ندارد اینست که کسانی هاستند که با روش های غیرقانونی امکان مشارکت و رقابت آزاد سیاسی را منتفی می کنند و بعد از اینکه دولت و نهادهی مثل مجلس سرکار می آیند سعی می کنند که آن نهاد را با کارشکنی و دخالت ناکارآمد جلوه بدهند تا مردم مایوس شوند و جناح اقلیت بتواند به قدرت برسد، مثل مجلس یازدهم، یعنی کل مجلس ملی نیست و کل آن جناح اقلیت است. این وضع قابل قبول نیست، و در هیچ کشوری نداریم، یعنی نظارت استصوابی نداریم. طبیعتا ما نمی توانیم در چنین سیستمی مسئولیت بپذیریم چون ما نتوانستیم با تمام توان در این بازی شرکت کنیم. مهم تر از آن وضعیت مجلس خبرگان رهبری است. ببینید در کشور ما رهبری به تنهایی بیش از هفتاد درصد اختیارات را بر عهده دارد، مسائل نظامی در اختیار ایشون است، قوه قضاییه و صداوسیما در اختیار ایشون است ، آستان قدس و حرم حضرت معصومه و حرم حضرت عبدالعظیم و... را در اختیار دارند. به کسی هم پاسخگو نیست ایشون. تنها جایی که می تواند از ایشون سوال کند، مجلس خبرگان رهبری است.اما مجلس خبرگان رهبری! شش نفر منصوبین شخص رهبر یعنی فقهای شورای نگهبان مسول رسیدگی به صلاحیت نامزدهای مجلس خبرگان شدند!!! و در آنجا هر کسی را که احتمال بدهند ممکن است در مقابل ایشون بایستد را رد می کنند. مهم نیست که از ایت الله بجنوردی باشد تا سیدحسن خمینی، خودشان هم در این انتخابات نامزد هستند. و خودشان هم مسوول رسیدگی به صلاحیت انتخابات هستند. مجلس باید بتواند بر رهبری نظارت کند. رهبری باید در مقابل مجلس خبرگان پاسخگو باشد. معلوم است که ما این را افشا می کنیم. این ادرس غلط دادن نیست. دقیقا ادرس درست دادن است. الان فساد در نهاد های انتصابی بیداد می کند باید رهبری در مقابل این ها پاسخگو باشد. پس تا زمانیکه کسانیکه قدرت دارند. پاسخگو نیستند، دقیق ترین پاسخ این است که بخش مهمی از مشکلات کشور بخاطر فعالیت غیرقانونی دولت پنهان است.

در مورد دولت های مهندس موسوی و آقای خاتمی اینطور نیست که چون کسی به اون دوران نمی پردازه شما بفرمایید ما به اون دوران افتخار میکنیم.اما باز هم سوالی که پیش میاد اینه که در دوران آقای خاتمی و موسوی نهاد های انتصاباتی وجود نداشتفتند؟ اگر حس کردیم اوضاع خویست اختیار هست اما همین که احساس ضعف بوجود بیاد دیگر اختیاری ندارید و دولت هیچ کاره ست؟

اگر همین امروز اصلاحطلبان اجازه دهند که نامزد های اصلی خود را معرفی کنند و احیانا با اقبال مردم بتوانند مسئولیت دولت را بر عهده بگیردند، مسئولیت خوب و بد اوضاع را بر عهده خواهند گرفت. اقایان موسوی خاتمی هم منتخب خود ما بودند و شورای نگهبان انتخاب ما را به آقای رئیسی و روحانی محدود نکرده بود. بنابراین مادام که با نظارت استصوابی نامزدهای رای آور ما را رد صلاحیت کنند ما مسئولیت نمی پذیریم. اگر هم توجه کنید شعار ما در این موارد این بوده است که ما بین بد و بدتر دچار انتخاب هستیم در زمان آقای موسوی رهبری فعلی مسئولیتی نداشتند و بنیانگذار انقلاب هم از دولت حمایت می کردند بنابراین مشکلی به عنوان دولت پنهان نداشتیم. اگر چه خیلی از کارها اتفاق می افتاد که دولت در آنها نقشی نداشت که در نهایت هم به استعفای مهندس منتج شد اما هدف از آن کار ها زمین زدن دولت نبود فرق مسئله در زمان رهبری ایت الله خلمنه ای چنین بود که هر دولتی که ایشان نمی پسندید، عملا منصوبان ایشان خود را کاملا باز می یافتند که آن دولت را زمین بزنند و مردم از ان دولت مایوس شوند. در دولت آقای خاتمی هم این مشکلات بود اما چون خود ما در صحنه حضور داشتیم و چنان پیوند ما با مردم استوار بود و اراده رئیس دولت هم بر رفع مشکلات چنان قوی بود که توانستیم گام های

بزرگی برداریم. اما امروز هم نامزد مطلوب خود را نداریم هم دخالت های دولت پنهان افزایش داشته که عملا در برخی موارد دولت منتخب مردم عملا کاره ای نیست.

شما فرمودید دولت آقای روحانی را از خود نمی دانید، این سوالات پیش می آید که مگر آقای عارف کاندیدای اصلاح طلبان نبود؟ پس چرا او را به خاطر آقای روحانی کنار گذاشتید؟ مگر کابینه و وزرای آقای روحانی همان اطرافیان و وزرای مد نظر آقای موسوی نبود؟ چطور قبل از انتخابات مواضعتان نسبت به آقای روحانی به شکل دیگری بود و جامعه را از رای نیاوردن آقای رئیسی می ترساندید؟ و اینکه مگر اصلاحات با این سابقه طولانی در ریاست جمهوری از نداشتن اختیارات کافی در امور اقتصادی،خبر نداشت، چطور قبل از انتخابات وعده هایی عجیب می دهید و بعد انتخابات از نداشتن اختیار صحبت می کنید؟

علت رای دادن ما به آقای روحانی در سال ۹۶ عملکرد دولت وی در سال ۹۲ تا ۹۶ بود به یاد دارید، وقتی که ایشون رئیس جمهور شده اوضاع اقتصادی وضع اسفباری داشت و ایشان توانست در مجموع از سی و چند درصد به کمتر از ده درصد کاهش دهد، قیمت دلار را ثابت نگه دارد و راه را برای سرمایه گذاری شرکت های شرقی و غربی باز کند. ایشان قول داده بود که بعد از انتخابات به سمت تحقق مطالبات ملت حرکت خواهد کرد، اما به دلایل داخلی و خارجی بازگشت. انتقادی که من به آقای روحانی دارم اینست که باید مانع از بازگشت تحریم می شد و اگر با مخالفت رهبری مواجه می شد باید خیلی دوستانه مخالفت خود را تقدیم می کرد و اجازه می داد دولتی سر کار بیاید که تحریم را نعمت می داند. از نظر من آقای روحانی در این زمینه کوتاهی کرد و باعث شد که تحریم ها برگردد. ما نیاز داریم به سمت تنش زدایی با امریکا پیش برویم، اختلافات را کنار بگذاریم و اشتراکات را دریابیم.بله هیچ زمان نه آقای روحانی گفت اصلاح طلب است نه ما گفتیم. اما مادامی که دخالت های دولت پنهان به این زیادی باشد، دولت نخواهد توانست هیچ اصلاحی کند. مادامی که منطقه دست سپاه باشد و نه وزارت خارجه، همان بهتر که اجازه دهیم که دولت رهبری تشکیل شود.

اما در مورد دولت پنهان و سپاه که همواره در برابر مطالبه اقتصادی مردم انگشت اشاره به سمت آن میگیرید، در مستند انتخاباتی آقای جهانگیری در سال ۹۶ آقای زیباکلام از آقای جهانگیری می پرسند که چند درصد اقتصاد دست سپاهه با این وجود به کسی پاسخگو نیست و وقتی مشکل اقتصادی بوجود می آید می گوید تقصیر دولت است؟ ، آقای جهانگیری هم صریح اعلام می کنن که دست دولت در اقتصاد کاملا باز است، پروژه های اقتصادی را خود دولت به سپاه محول می کند و اگر بخواهد به راحتی می تواند اجازه ندهد کماینکه بار ها اجازه برداشتن برخی پروژه ها را به سپاه نداده ایم. نظرتون در مورد این پاسخ چیه؟

من نمی دانم این مصاحبه متعلق به چه زمانی و ایا کامل است یا نه منتها چون سخنگوی آقای جهانگیری نیستم، اگر از من بپرسید که ایا دولت دستش کاملا باز است یا نه معتقدم دولت نه تنها کلن دستش باز نیست بلکه مادام که سیاست های کشور را در جای دیگری تدوین می کنند، هیچ دولتی دستش باز نیست. کشور نمی تواند تحت شدید ترین تحریم های امریکا باشد و از اف ای تی اف خارج شود و بتواند اقتصادی نرمال داشته باشد.

و اما خارج از مسائل اقتصادی برسیم به شورای نگهبان، آقای تاجزاده مگر غیر از اینست که این شورای نگهبان و تمام ساختارهای دیگری که شما شبهاتی برایشان مطرح می کنید مطابق قانون اساسی ای هستند که اوایل انقلاب توسط گروهی

از حقوق دانان که همنظر شما هم بودند با سرپرستی آقای حسن حبیبی نهضت آزادی نوشته شد؟ آیا این پیش نویس قانون اساسی برخلاف نظر اقایان خامنه ای، بهشتی و طالقانی که خواستار به همه پرسى گذاشتن مستقیم آن بودند به درخواست اقایان بازرگان و دوستانشان برای بررسی مجدد به مجلس خبرگان قانون اساسی به ریاست مرحوم منتظری برده نشد؟ گذشته از اینها، شما فرمودید در دیگر کشورها نظارت استصوابی وجود ندارد، ایا در فرانسه constitution council مسئولیت نظارت بر انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را بر عهده نداره؟ ایا رئیس جمهور فرانسه که سه نفر از اعضای این شورا رو انتخاب می کنه مطابق قانون اساسیشان ضامن سکولاریته نظامشان نیست؟ ممکن است در این نظام، با این قوانین، فردی مخالف با سکولاریته انتخاب شود؟

در مورد اینکه قانون اساسی شورای نگهبان دارد و همه کشور ها قانون اساسی دارند عرض می کنم خدمتون. مثل این می ماند کسی به شما بگوید که انگلستان شاه دارد، پس ما هم شاه داشتیم، با این سخن خنده بر لب های شما می نشیند، در آن کشور، شاه دخالتی در امور سیاسی نمی کند اما در ایران جز شاه کسی اجازه دخالت نداشت. بله ما شورای نگهبان و بسیاری از نهاد های قانونی مان را از کشور های مدرن گرفته ایم. اما می گویم که این نهاد ها عملکردشان عکس آن فلسفه ای است که برایش ایجاد شده اند. وظیفه شورای نگهبان صیانت از سلامت انتخابات است نه رد هر آن کسی که آقای جنتی یا رهبری او را منتقد می داند و مخالف انتخاب او هستند. بنابراین باید تفاوت را در محتوا دید نه در شکل آن. باید دید کدام کشور ها از این نهاد در چه راهی بهره می برند. اقا، این چه حرفی است که می گویی، درست است، داشتند اما مهم محتوای آن بود. ما نباید فریب اشکال را بخوریم، ما چیزی در نظر به عنوان حقیقت و در عمل به عنوان عدالت داریم و می توانیم بر اساس اینها عملکرد افراد مورد قضاوت قرار دهیم. برای همین است که در فرانسه شاهد این مشکلاتی که در اینجا شاهد هستیم نخواهیم بود.

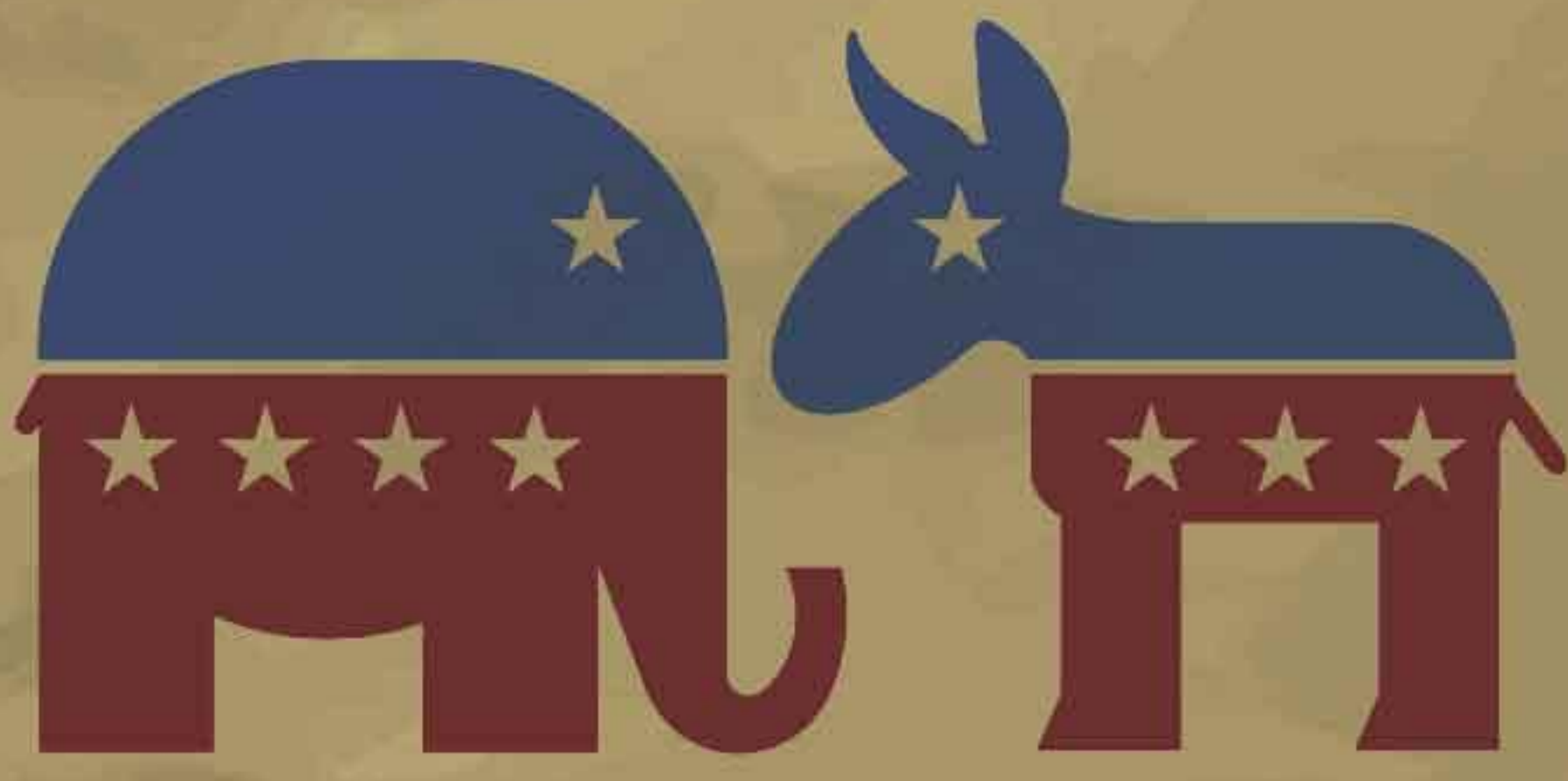
از پیام های رسانه ای شما، بطور غیرمستقیم به مردم این مفهوم القا می شود که در انتخابات سال ۸۸ تقلب صورت گرفته است اما ویدیویی از شما و نیز آقای خاتمی پخش شده که صراحتا در جمع دوستانتان، بیان می کردید، که در انتخابات به هیچ وجه تقلب نشده بود و ارا درست شمارش شده بود، صوت آقای خاتمی هم بیانگر این بود، که هرگز معتقد به تقلب نبوده اند و تنها تخلف یا همان کودتای انتخاباتی صورت گرفته است. ممکنه نظر صریحتون رو در مورد این انتخابات بیان کنید؟

من با آقای زاکانی در مورد این انتخابات مناظره ای داشتم و مفصلا دیدگاهم را توضیح دادم، من هرگز نگفتم در انتخابات تقلب شده است بلکه گفته ام کودتا شده و به اتفاق اقایان بهزاد نبوی و برخی دیگر از دوستان شکایتی را تنظیم کردیم و اعلام کردیم که کودتای انتخاباتی شکل گرفته و مستندات ما نیز صوت سخنان سردار مشفق بود که البته متاسفانه به این شکایت ما رسیدگی نشد. ستاد کودتا بر اساس این مستندات به دنبال پیروزی نامزد مطلوب خود و شکست نامزد رقیبش بودند. صرف نظر از اینکه آقای خاتمی باشه، یا آقای موسوی یا آقای کروبی.

در آخر از شما خیلی ممنونم که این فرصت و امکان گفتگو را فراهم کردید و با شما صددرصد موافقم که ایران امروز ما نیاز به گفتگو دارد، تنها در یک فضای صمیمی گفتمانی می توانیم اشکالات یک دیگر را برطرف نماییم و نقاط قوت هم دیگر را برجسته نماییم.موفق باشید.

بنده هم از شما سپاسگذارم که دعوت ما برای گفتگو در نشریه را پذیرفتید.

امیر کسرایی فرد



دیوار بلند بی اعتمادی

و داستانی از سندروم اعتماد بی قرار

چند روایت مختصر و معتبر از اعتماد به آمریکا سکانس اول، کودتا:

سال ۱۹۵۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد: آقای مصدق صلاحیت شورا را برای حل بحران نفت ایران زیر سوال برد. او بریتانیا را متهم کرد که حقوق ایران برای ملی کردن منافع اش را زیر پا گذاشته است. دکتر محمد مصدق، نخست وزیر وقت ایران تلاش میکند تا در برابر زیاده خواهی های بریتانیا بایستد. او قصد دارد نفت ایران را از چنگال بریتانیا بیرون بکشد. به این منظور دست به دامن آمریکایی ها میشود. دولتمردان آمریکایی به او قول میدهند تا با کمک های مالی خود، ضرر وارد شده به ایران در اثر تحریم ها نفتی بریتانیا را جبران کنند. اما همزمان با این وعده ها نقشه کودتا علیه دولت مصدق را طراحی میکنند. اعترافات سال ها بعد آلبرایت وزیر خارجه اسبق ایالات متحده: آمریکا در سال ۱۹۵۳ در ساماندهی براندازی نخست وزیر محبوب ایران، نقش اصلی را ایفا کرد. نقشه ای کاملاً حساب شده که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت مردمی مصدق را سرنگون و تیره ترین سالهای استبداد و خفقان را بر ملت ایران تحمیل کرد.

سکانس دوم: توافقنامه الجزایر

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ آمریکایی ها را نگران و متحیر کرده بود. بورس ریادل، عضو سازمان سیا: روسای ما توانایی فهم این را نداشتند که چطور آیت الله ۸۰ ساله ای که با ماست و سیر و پیاز زندگی میکند، میتواند انقلابی را رهبری کند که منجر به سرنگونی مهمترین متحد ایالات متحده شود. آمریکا پس از انقلاب، دارایی های ایران در خارج از کشور را بلوکه کردند و از تحویل سلاح هایی که ایران پول آنها را به آمریکا پرداخته بود ممانعت کردند. خبر مهمی در جهان پیچید: دانشجویان مسلمان سفارت ایران در آمریکا را تسخیر کردند. پس از کش و قوس های فراوان قرار بر این شد که ایران کارمندان سفارت آمریکا را تحویل دهد و در عوض آمریکا متعهد شد تا در امور داخلی ایران مداخله نکند و تحریم های تجاری و اقتصادی را لغو کند و دارایی های بلوکه شده ایران را آزاد کند. وعده هایی که هیچ گاه جامه عمل بر تن نکردند.

سکانس سوم: آزاد کردن گروگان های آمریکایی در لبنان

برنت اسکوکراف، مشاور امنیت ملی پیشین آمریکا: جیانی پیکو (واسطه ایران و آمریکا) گفت: ایرانی ها منتظر یک حرکت از آمریکایی ها هستند. ما باید منصف باشیم چون من به آنها قول داده ام. من هم گفتم: جیانی! تلاشم را خواهم کرد. آیت الله هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور اسبق ایران: وقتی که آمریکایی ها به وعده شان درست عمل نمیکردند، کار ناقص ماند. اگر حسن نیت آمریکایی ها جدی باشد ما حاضریم هر کاری انجام دهیم. هم به خاطر لبنان و هم به دلیل موضوعات انسانی.

سال ۱۹۸۸ وقتی آمریکایی ها از بازپس گیری گروگان های خود در لبنان نا امید شدند، دست کمک به سمت ایران دراز کردند. بر این اساس رئیس جمهور وقت ایالات متحده یعنی بوش پدر

در اولین نطق ریاست جمهوری خود، پیامی را برای معامله با ایران فرستاد: در این باره میتوان همکاری کرد و این همکاری تا مدت ها به یاد خواهد ماند. حسن نیت، حسن نیت می آورد. در نهایت قرار بر این شد که ایران در مذاکره با حزب الله گروگان های آمریکایی را آزاد کند و در مقابل آمریکا از اقدامات خصمانه علیه ایران دست بردارد و حسن نیت خود را نشان دهد. همچنین در موضوع جنگ ایران و عراق و تعیین متجاوز بی طرفانه عمل کند. چند ماه بعد گروگان ها با تلاش ایران آزاد شدند.

ریچارد هاس عضو شورای امنیت ملی آمریکا: وقتی گفتیم حسن نیت حسن نیت می آورد، منظورمان این نبود که در صورت آزادی گروگان ها، کارهای دیگرشان را فراموش میکنیم و همه چیز حل میشود.

سکانس چهارم: شیر دال

پس از ۳۵ سال جدایی دولتمردان ایران و آمریکا و در سال ۱۳۹۲، طی یک تماس تلفنی با یکدیگر ارتباط برقرار کردند. آمریکایی ها به نشانه حسن نیت یک جام باستانی هخامنشی و متعلق به ۷۰۰ سال پیش از میلاد (که آمریکایی ها آن را بلوکه کرده بودند) به نام شیر دال را به ایرانی ها هدیه میدهند.

چند روز بعد یک پایگاه اینترنتی آمریکایی نوشت: ما به ایران یک شی دادیم تا حسن نیت خود را نشان دهیم. اما تنها یک مشکل کوچک وجود دارد. اینکه این شی تقلبی و ساخته سال ۱۹۹۹ میلادی میباشد!

سکانس پنجم: بیانیه تهران

سال ۱۳۸۹. ایران به آژانس انرژی اتمی گزارش میدهد: سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران که رادیو داروهای مبتلایان به سرطان را تولید میکند رو به پایان است. طبق توافقات، ایران ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده را در ازای دریافت ۱۲۰ کیلوگرم سوخت به آمریکا تحویل میدهد. با توجه به سابقه دراز آمریکا در نقض تعهدات، ایران بیم آن را داشت که آمریکا اورانیوم ۵ درصد را تحویل بگیرد اما سوختی به ایران ندهد. بنابراین دو کشور برزیل و ترکیه به عنوان واسطه مورد اعتماد از سوی هر دو کشور ایران و آمریکا، متعهد شدند تا این معامله را انجام دهند. اندکی بعد ترکیه و برزیل از کرده خود پشیمان شدند. چون آمریکا به تعهدش عمل نکرد. علاوه بر این آمریکا تحریم های بیشتری را در سازمان ملل علیه ایران تصویب نمود. برزیل که از این کار آمریکا به شدت عصبانی بود، نامه اوباما به رئیس جمهور این کشور مبنی بر درخواست آنها برای میانجی گری برزیل را منتشر کرد. ترکیه نیز اعلام کرد که تلاش های آمریکا برای فشار به ایران وضعیتی مسخره را ایجاد کرده است.

سکانس ششم: مذاکرات هسته ای سال ۱۳۸۲

سال ۲۰۰۲. آمریکا تلاش میکند تا پرونده هسته ای ایران را به شورای امنیت ببرد تا راه حمله نظامی یا تحریم اقتصادی را بر خود هموار کرده باشد. جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور وقت ایالات متحده: جامعه جهانی باید به هم صدایی برسد و برای آمریکا روشن کند که نمیتواند با ساخت سلاح هسته ای توسط این کشور کنار بیاید. دولتمردان وقت ایران، که از این اتفاق نگران بودند، پای میز مذاکره با اروپایی ها حاضر

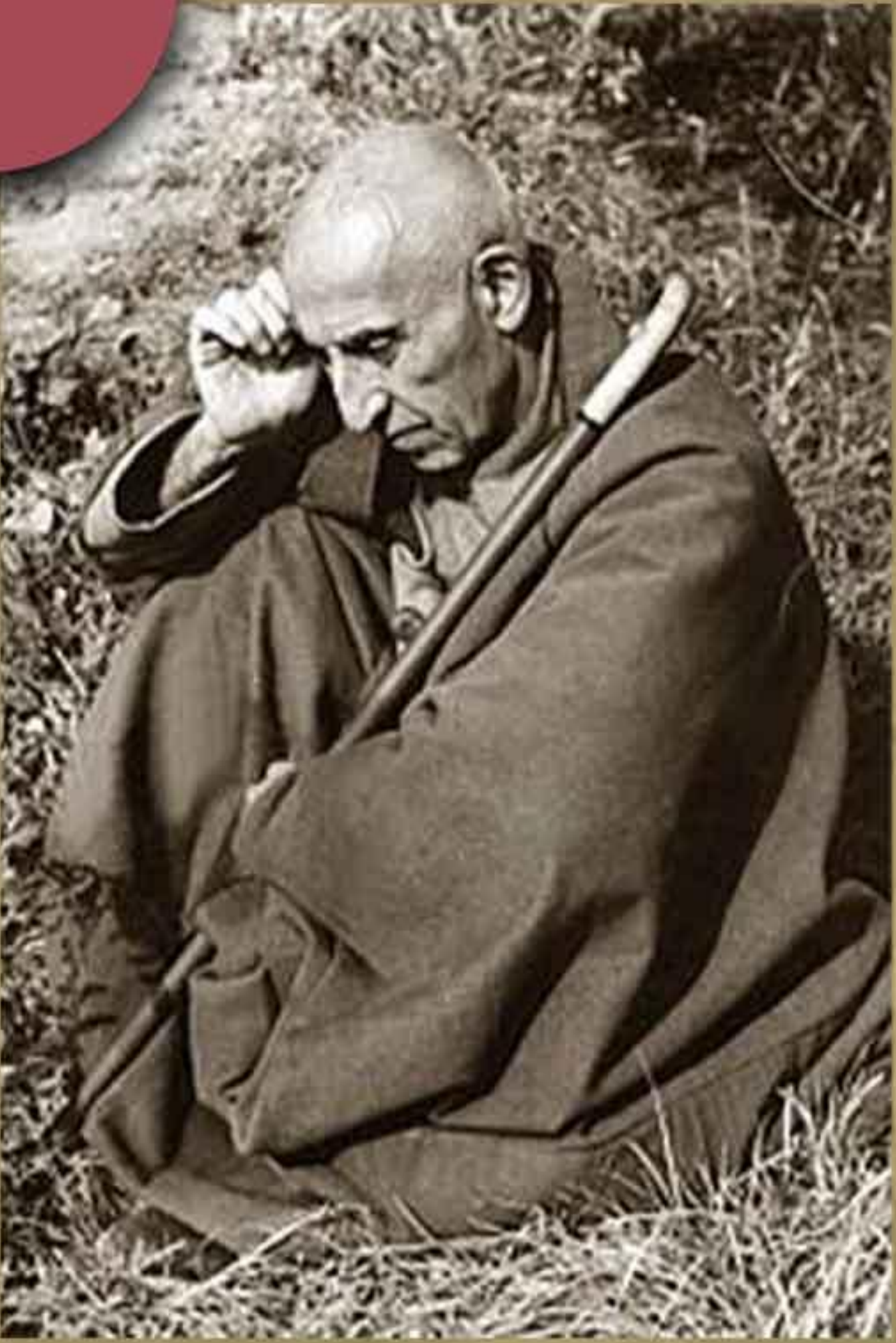
میشوند و سه قرارداد تهران، بروکسل و پاریس را با آنها امضا میکنند. جان ساروز مذاکره کننده ارشد انگلستان: ما به تهران رفتیم تا آنها را قانع کنیم که غنی سازی را متوقف کنند. همینطور از آنها خواستیم هر چیزی را که به غنی سازی مربوط است، برای همیشه متوقف کنند. بر اساس این قرارداد ها، ایران نه تنها غنی سازی را متوقف میکند بلکه بایستی تمام فعالیت های هسته ای خود را کنار بگذارد. در عوض اروپایی ها وعده میدهند تا در این موارد با ایران همکاری کنند: برخی امتیازات اقتصادی را برای ایران فراهم کنند (که هیچ گاه محقق نشد)، در شورای حکام آژانس انرژی اتمی با ایران همکاری کنند و مانع تصویب قطعنامه علیه ایران شوند (بعد از این قول ۴ قطعنامه علیه ایران در شورای حکام تصویب شد)، همکاری های بین المللی هسته ای و تلاش برای امنیت منطقه و منع گسترش سلاح های کشتار جمعی، اجرای قوانین ان پی تی برای ایران بعد از اعتماد سازی بدون تبعیض و تفاوت با سایر کشورهای جهان. به هیچ کدام از تعهدات فوق نیز عمل نشد.

در صفحه ۵۸۲ کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته ای نوشته دکتر حسن روحانی میخوانیم: متأسفانه در مقابل اگر نگوییم هیچ ایران ما به ازای بسیار اندکی دریافت کرد و بارها اقدامات اعتماد ساز خود را افزایش داد و در عوض آن تنها با قول های انجام نشده و درخواست های بیشتر روبه رو شد. این بار هم مثل همیشه غربی ها زیر قولشان زده بودند...

جدیدترین سکانس:

ستاد انتخاباتی بایدن در تهران

این سکانس صرفاً یک پیش بینی است. پیش بینی که با احتمالات بسیار بالایی محقق خواهد شد. فشارها علیه جمهوری اسلامی، توسط بایدن، بیش از ترامپ خواهد بود. بایدن بر خلاف ترامپ، می تواند اروپا، روسیه و چین را برای فشار حداکثری بر ایران متحد کند. بایدن، تحریم های وضع شده توسط ترامپ را ملغی نخواهد کرد و تلاش می کند بر سر تخفیف آنها، در مسائل هسته ای، موشکی و... امتیاز بگیرد. از امروز تا ۱۴۰۰ تیم کنونی دولت و اصلاح طلبان، فشار اقتصادی بر مردم را حفظ می کنند، هرچند سعی خواهند کرد برای بایدن هم که شده، کمی اوضاع را بهتر مدیریت کنند، تا در انتخابات آینده از دوقطبی مذاکره = ارزانی و مقاومت = بدبختی، به قدرت برسند. جمهوری اسلامی با روی کار آمدن ترامپ، شاید مجبور می شد کمی بیشتر به فکر اصلاح خودش بیفتد، اما با روی کار آمدن بایدن، چشم ها، دوباره معطوف به امداد و معجزه آمریکا خواهد بود و روند وابستگی همه چیز حتی آب خوردن به مذاکره، بیش تر خواهد شد. در حقیقت باید گفت، بایدن پروژه ناقص ترامپ را به نحو بهتری محقق خواهد کرد. بایدن "اوباما دوم" است! مگر از "اوباما اول" چه خیری به ایران رسید؟ مگر کسی غیر از اوباما اول تحریم های فلج کننده علیه ایران را اعمال کرد که حالا با خوشحالی از آمدن اوباما دوم حرف می زند؟ تجربه نشان داده دموکراتها ضربه بیشتری به ایران زده اند، این گفته دکتر حسن روحانی در نشست خبری اش در سال ۸۳ است. بزرگترین قتل عام تاریخ بشر با ۲۲۰ هزار کشته، بمباران اتمی ژاپن به دستوری هری ترومن دموکرات بود.



سجاد عباسی

سید جمال یوسفی

شماره چهارم		
سال	کارگردان	انیمه
۲۰۱۰	ياسوهيرو ايريه	
full metal alchemist brotherhood		



هر درسی بدون درد بی معنی؛ به خاطر اینکه هیچکس بدون اینکه چیزی قربانی کنه هیچی بدست نیاره. اما با تحمل اون درد و غلبه کردن به اون، قدرتمند میشی و قلب بزرگی بدست میاری؛ به قلب تمام فلزی

کیمیاگر تمام فلزی برادری، محصول ۲۰۱۰-۲۰۰۹ نامی آشنا برای تمام طرفداران انیمه است اما آنچنان که باید مورد توجه فیلم بازان قرار نگرفته است؛ شاهکاری به کارگردانی یاسوهیرو ایریه در ژانر اکشن-ماجراجویی و همینطور نسخه ی وفادار به مانگای آن به نام Hagane no renkinjutsuhi نوشته ی هیرومو آراکاو که با نمره ۹.۱ از سایت IMDb و ۹.۲ با رتبه ی نخست قطعا حرف زیادی برای گفتن دارد. توجه داشته باشید که کمتر اتفاق می افتد دو طرفدار انیمه پیدا کرد که سلاطین یکسانی داشته باشند و وقتی رتبه ی نخست بهترین انیمه را از لحاظ امتیاز کاربران دارید یعنی ما با اثر بزرگی سر و کار داریم. کیمیاگر تمام فلزی برادری، روایت گر زندگی دو برادر نوجوان به نام های ادوارد و آلفونسو الریک است که قصد دارند با استفاده از علم کیمیاگری، مادر خود را به زندگی برگردانند؛ غافل از اینکه حقیقت، مناسب ترین شکل ناامیدی را به انسان ها عرضه می کند تا مطمئن شود آن ها مغرور نشوند. آن ها در این راه نه تنها موفق نمی شوند بلکه هر یک بابت این کار خود هزینه ی گزافی میدهند و تلاش این دو برادر برای اینکه همه چیز را به حالت عادی برگردانند، آن ها را به سمت مسئله

مهم تری سوق می دهد. خشونت و تاریکی فضای داستان لحظه به لحظه خود را بیشتر نشان می دهد ولی آمیخته شدن آن با طنز مخصوص به انیمه ها ترکیب فوق العاده ای را تشکیل می دهد. اما چیزی که بیشتر از همه باعث قدرتمندی این انیمه می شود، شخصیت پردازی های فوق العاده ای است که هر کدام به طور مستقل باعث درگیری ذهن بیننده میشود و بیننده را به شدت وابسته می کند. هر کدام از کاراکتر ها فلسفه مخصوص به خود را دارند و هر یک حقیقتی فرای حقیقت خود را با توجه به نماد های تحسین بر انگیزی که داستان در خود جای داده است، به بیننده القا می کند. نماد سازی و ایجاد سوال های متعدد در ذهن مخاطب فاکتوری است که بسیاری از سریال های موفق از آن استفاده کرده اند و در این مورد این انیمه حرف های زیادی برای گفتن دارد. این فاکتور ها در کنار بسیاری از فاکتور های دیگر مثل دنیا پردازی قوی اثر، وقتی این سریال را متمایز می کنند که با دیالوگ های پر مغز و تامل برانگیز متن همراه می شود و انسان را در مقابل حقایقی جالب قرار می دهد که قطعا نیازمند تفکر هستند و رسالت خود را به بهترین نحو ممکن انجام می دهد. برخی از این حقایق را انسان فکر میکند که خود می داند ولی در واقع وقتی به دقت نگاه میکند پی میبرد که عدم پرداختن به آن ها باعث فراموشی آن ها شده است.

کتابخورد ابوالفضل دوستی

جنگ و صلح



کتاب «جنگ و صلح» رمانی است مفصل که در چند جلد منتشر شده است. در مقدمه رمان توضیح داده شده است که نویسنده در هفت سال چگونه این رمان را نوشته است، از چه افرادی الهام گرفته است و اتفاقات آن را بر چه اساسی نوشته است. تولستوی با این رمان پرشخصیت تلاش کرده تصویر کامل و درستی را از روسیه آن زمان به خواننده ارائه دهد. موضوع اصلی رمان تولستوی، ستایش صلح و آزادی است. او در این کتاب، وضعیت انسان را در شرایط جنگی و در لحظات حساس زندگی به تصویر کشیده است. تولستوی به این نکته اشاره می کند که اگرچه زندگی پر از لحظات سخت و اندوهناک است، اما انسان نباید حتی در بدترین شرایط زندگی، ایمان به زندگی و امید را از دست بدهد. این رمان از روسیه ای می گوید که جنگ به تدریج بر آن سایه افکند و کم کم گرفتارش شد و زندگی مردم تمامی طبقات، تهیدستان و اشراف، تحت الشعاع این اتفاق قرار گرفت. داستان در دوره جنگ بین روسیه تزاری و فرانسه، به رهبری ناپلئون بناپارت، می گذرد و رویدادهایی چون حمله ناپلئون به روسیه، عقب نشینی ارتش روسیه، آتش سوزی مسکو و سرانجام شکست لشکر ناپلئون به تفصیل روایت می شوند. تولستوی در این کتاب هم پای رویدادهای تاریخی به نوشتن داستان زندگی خصوصی خانواده های اشراف مسکو و پترزبورگ می پردازد و از روستائیان، موزیک ها و همه مردمان عادی نیز سخن می گوید. «جنگ و صلح» نه تنها زندگی روسیه را در یک دوره خاص (از

بدان ها پرداخته شده است را می توان در سرفصل های زیر بیان کرد:

- شخصیت پردازی: شخصیت های کتاب برخی واقعی و برخی تخیلی اند و هماهنگی بین شخصیت های داستان به گونه ای است که تمیز این دو از هم برای خواننده دشوار است. شخصیت های این روایت عاری از خبط و خطا نیستند، آنها افرادی هستند شبیه به خود ما و آدم هایی که در زندگی هایمان می بینیم.

- در آمیختن داستان با بحث های فلسفی: تاملات تاریخی - فلسفی برای تولستوی اهمیت زیادی دارد. او در بخش هایی از کتاب هم چون دانای کل به میدان می آید و نظرگاه فلسفی خود را نسبت به تاریخ بیان می کند. رویدادهای تاریخی: «جنگ و صلح» رمانی تاریخی است که نویسنده در بستر روایت حقایق تاریخی اندیشه های خود را بیان می کند. در این رمان صحنه های جنگ با جزئیات دقیق به تصویر کشیده می شوند و رخ داده های تاریخی هم چون وضعیت سیاسی - اجتماعی روسیه در آن دوره، علت عقب نشینی ارتش روسیه و ... بدون اغراق و نگاه جانبدارانه بازگویی شود.

چرا باید کتاب جنگ و صلح را بخوانیم؟

همزیستی دو اتفاق خوب و بد روندی است که در زندگی های روزمره همه ما جاری است. چه شادی ها که در زمانه ی غم و اندوه به دل رو می کنند و چه غم ها و اشک هایی که در بطن روزگار شاد ما نهفته است. زندگی تلفیقی ساده از این دو روی جهان است. در زمانه ی داستان های کوتاه و عبارات مختصر، توصیه ما خواندن یک رمان مفصل، شلوغ و سراسر اتفاق است که از قضا تنه ای هم به تاریخ زده است. شاید بد نباشد حوصله کنید و کتاب را با آرامش بخوانید. مطمئن باشید که حجم داستان آزاردهنده نبوده و روایت شما را با خود تا انتهای مسیر پیش می برد. کتاب «جنگ و صلح» را بخوانید تا بخشی از این همزیستی های شگفت را در

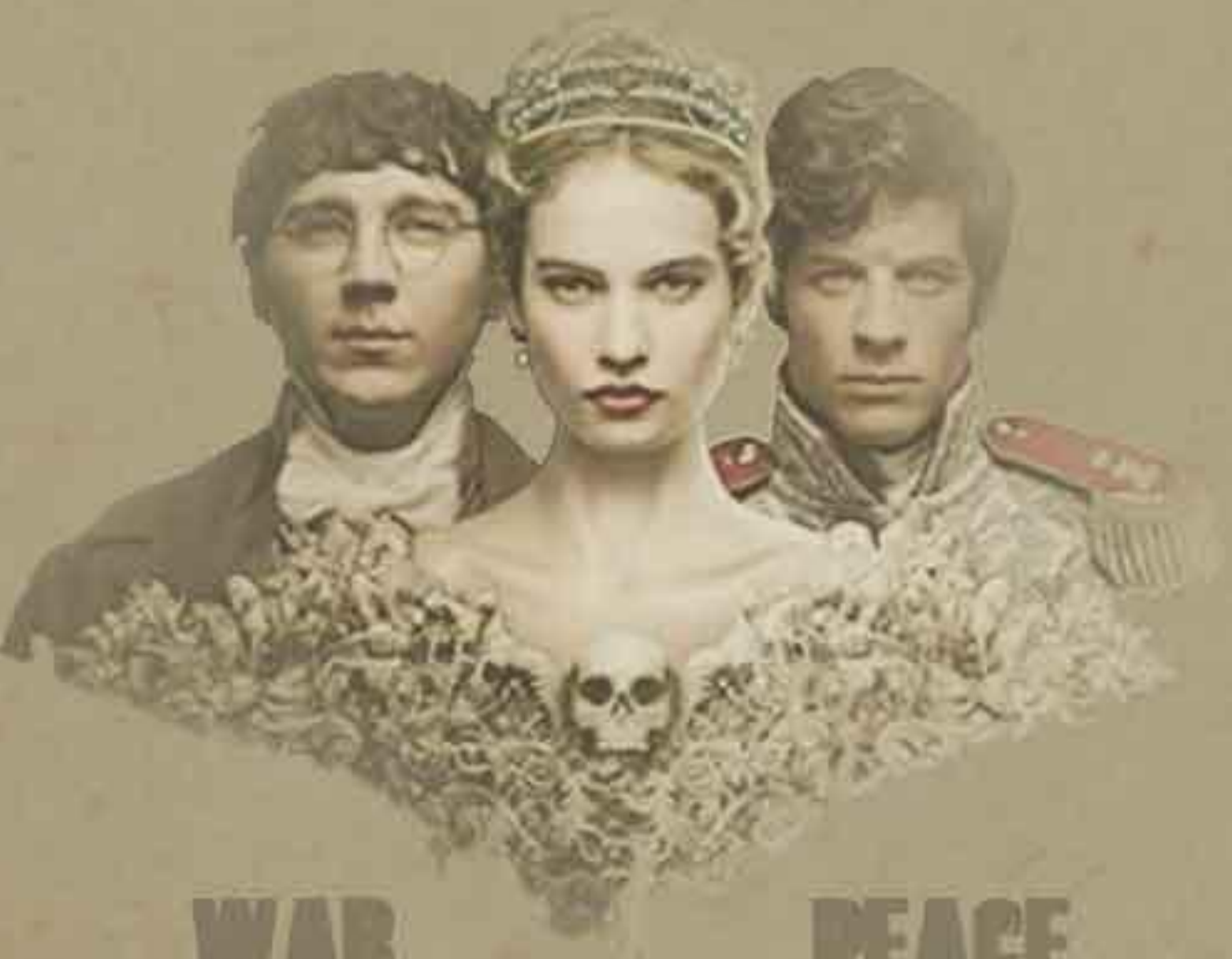
روزگاری که اتفاق مهیب جنگ نیز حضوری پررنگ دارد، ببینید. توصیه می کنم موقع خواندن رمان یک کاغذ و قلم کنار دستتان بگذارید تا اسامی را یادداشت کنید که از یادتان نروند. نوشتن خلاصه قسمت های کتاب جنگ و صلح هم راهکار خوبی به نظر می رسد.

نظر رهبر انقلاب راجع به این رمان:

حضرت آیت الله خامنه ای در دیدار وزیر و مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۷۱ درباره رمان «جنگ و صلح» اثر لئو تولستوی بیان کردند: «وقتی «جنگ و صلح» را می خوانید، یا داستان های امیل زولا را می خوانید، می توانید وضعیت جامعه روس یا فرانسه یا انگلیس یا جاهایی دیگری را، از این داستان ها به دست بیاورید. یعنی انسان می تواند چیزهایی را که در تاریخ نیست، در این کتابها پیدا کند.»

بخشی از این رمان هر کس با دید خودش زندگی می کند. تو برای خودت زندگی می کردی و می گویی که چیزی نمانده بود که زندگیت تباہ شود، و خوشبختی را وقتی شناختی که شروع کردی برای دیگران زندگی کنی، ولی کار من درست عکس این بود. هدف من در زندگی کسب افتخار بود، ولی خوب، مگر افتخار چیست؟ همان عشق به دیگران است. میل به خدمت به آنها برای لذت بردن از ستایش آنها.

(رمان جنگ و صلح. جلد دوم. صفحه ۵۶۶)



سلام علیکم خدمت همه ی بزرگان و اساتید گرامی و دانشجویان عزیز
 آقا در جریان اخبار این روزا هستید دیگه؟ بایدن با
 تقلب محرز رئیس جمهور آمریکا شد، حالا چرا میگیم
 تقلب؟ ما بدون سند حرف نمی زنیم، امروز می خوایم
 برای اولین بار، سندی رو کنیم که نشون میده چرا
 می گیم تقلب شده. خب همسر دوم دونالد خان، اهل
 جورجیا بوده، همونطور که میدونید ترامپ هم قاعدتا
 میشه داماد جورجیا!!!! مردم جورجیا هیچ وقت میان
 داماد خودشونو ول کنن به یه غریبه پنسیلوانیایی پررو
 رای بدن. شاید باورتون نشه، ولی همین استدلالی که
 آوردیم رو یه عده توی یه نقطه از جهان، بعنوان دلیل
 تقلب مطرح کردن و جنگ به پا کردن...
 خب آقا بگذریم...

یادمه چند وقت پیش مقام عالی رتبه کشوری، یک
 تحول عظیم و یک انقلاب بزرگی در عرصه مبارزه با
 کرونا و زدن ماسک ایجاد کرد! در حدی که پرزهای
 ماسک همه ی ماها ریخت! حاجی چیکار داری میکنی!
 یکم یواش تر زخمیمون نکنی یه وقت! یه وقت کرونا
 قهر میکنه میذاره میره ها! با اون ماسکت... که بیشتر
 شبیه.. بگذریم آقا.. علی برکت الله اصن. خواستم الان
 یادآوری کنم یکم بخندیم..

چند وقتی هست که از فضای مجازی دورم؛ به خاطر
 درس و امتحان؛ (مثلا خواستم بگم من خیلی درس
 خونم! ما گنگمون بالاس یه مقدار! دیگه چیکار کنیم)

ولی خب تا حدودی هم خبر دارم از اوضاع مملکت، از
 سیاست، از اقتصاد، از دلار و سکه و بورس... آخ گفتم
 سکه! وای وای واب... چه وضعیه اصن.. دیگه الان مگه
 کسی میتونه زن بگیره تو این وضعیت! از اتاق فرمان
 اشاره میکنن بله میتونه! مبارکش باشه آقا؛ انشالله به
 پای هم پیر شن؛ لی لی لی لی...

اونایی هم که قبلا زن گرفتن، الان اوضاعشون تو خونه،
 بستگی به این داره که مهریه خانمشون چنتا سکه
 ست! هر چی بیشتر، تعداد ظرفی که میشورن هم
 بیشتر! خانما هم که اینروزا پادشاهی میکنن! یعنی الان
 کمتر خونه ای پیدا میشه که حرف، حرف مرد باشه!
 اصن بیشتر شبیه جوکه این حرف! اینجاست که
 مظلومیت مرد ها مشخص و ثابت میشه بر همگان!
 چقدر این موجودات مظلوم و تنها هستن! واقعا قلب
 آدمی به درد میاد... چه وضعیه!
 #نه به خشونت علیه مردان انصافا! چه گناهی کردن
 آقایون که گیر خانما افتادن آخه! بس است دیگه...
 خانما بخندین! عیبی نداره! یروزی هم میرسه
 که...هیچی!! تا قیام قیامت شماها میخندین! آقایون روز
 خوشی نخواهند داشت... اصن از وقتی آقایون شما رو
 میگین روز های خوششون هم تموم میشه! اخخخخ.

قول یه بزرگی که میگفت: پسره میره به مامانش
 میگه مامان، از کی میتونم بدون اینکه اجازه بگیرم از
 خونه برم بیرون؟ مامانش میگه باباتم هنوز به این
 مرحله نرسیده!! عجیب.. سیس ماست واقعا...
 از اینم بگذریم آقا...
 این روزا هرکی رو میبینی داره یه کلیپ سیس ماستی
 درست میکنه! بابا جون هرکی دوس دارین بس کنید!
 حالمون داره بد میشه انصافا! خداروشکر مدارس باز
 شدن؛ وگرنه داشتیم وارد فاز جدید از کلیپ های سیس
 ماستی میشدیم...

این ایرانی هم عجب حالی دارن تو این اوضاع! کلا زدن
 تو فاز خوشی؛ البته خب، یه آقایی هم همین وعده رو
 داده بود! گفته بود اونچنان رونق اقتصادی ایجاد کنم
 که مردم دیگه به ۴۵ هزار تومن
 احتیاجی نداشته باشن! اصن مهم نباشه واسشون که
 میگیرن یا نه! بنده خدا به وعدهشم عمل کرد! الان
 دیگه اصن مهم نیس ۴۵ هزار تومنو بگیریم
 یا نه؛ چون دیگه دردی رو دوا نمیکنه...

هععی... اون روز پشت چراغ قرمز وایساده بودم، یه
 پسره زد به شیشه ماشین، شیشه رو دادم پایین گفت
 آقا چسب زخم میخوری؟ گفتم من اگر تمام چسب
 زخم های تو را هم بخرم، نه زخم های تو دوا میشود
 و نه زخم های زندگی من... گفت آقا پول نداری چرا
 شعر میگی! همه بی اعصاب شدن!...

خلاصه که اینطوری... آقا خیلی خوشحال شدیم از
 زیارتتون! مرحمت فرمودین این بخش رو هم مطالعه
 کردین، انشالله تو شادياتون جبران کنیم، کم و کسری
 و عیب و ایرادشو هم به بزرگی خودتون ببخشید دیگه،
 امری فرمایشی اگر نیس ما از خدمتون مرخص شیم؛
 با اجازه پس.. خودافظ



خودمونی
 حسین رفیعی زاده



وقتی رسانه‌های با پول‌های صاحبان قدرت و ثروت
 ساخته و گردانده میشود تا صرفا واقعیت را از منظر آنان
 ببیند نتیجه‌اش میشود هرزگی رسانه‌ای، رسانه‌ای که
 قرار بود رسالتش آگاهی بخشیدن به مردم بدون هیچ
 نوع گرایش حزبی گروهی باشد؛ به افراد کمک کند تا
 از شرایط کنونی اطرافشان مطلع شوند، حال تبدیل شده
 به ابزاری برای اثرگذاری مستقیم و غیر مستقیم بر روی
 افکار عمومی ملت‌های مستقل. ایران هم با این حجم
 از عناد و دشمنی جبهه مقابلش چند سالی است
 مشغول نبرد در خط مقدمی گشته که به مراتب سخت
 تر و حساس‌تر از جنگ فیزیکی است؛ فرهنگ و بینش و
 اجتماعی سیاسی جامعه؛

یکی از خاکریزهای مورد هجوم در این حوزه تلقی کلی
 آحاد جامعه از بنیان‌ها و ساختارهای موجود پیرامونی
 است. در این جنگ شناختی رسانه‌های معاند و حتی
 بعضی از رسانه‌های داخل کشور همیشه کوشیده‌اند تا
 مخاطبشان در مواجهه با هر اتفاقی چه مثبت و چه
 منفی فقط با معیار و متر آنان شرایط را بسنجند و
 نتیجه‌گیری کنند. به عنوان نمونه این رسانه‌ها همیشه
 کوشیده‌اند در پس زمینه فکری خوانندگان خویش
 نگاهی بدبینانه به هر آنچه در ایران اتفاق میفتد ایجاد
 کنند و از نظام سیاسی کشور چهره‌ای خشن و غیر قابل
 اعتماد مجسم نمایند. در عوض غرب را برای آنان بزرگ
 کرده و هر آنچه مربوط به آن است را به عنوان نهایت
 تکامل بشری معرفی میکنند.

در اوج شیوع کرونا در قاره آسیا با اهداف ایران هراسی
 خاصی ایران را منشا ویروس در منطقه معرفی
 میکنند؛ رقام ابتلا و مرگ‌ومیر ناشی از کرونا را با آب
 و تاب خاصی پوشش میدهند؛ با تیترهای ناامید کننده
 درگیر شدن صاحب منسبان حکومتی به این بیماری را
 اطلاع رسانی میکنند؛ ایران را به پنهان کاری امار واقعی
 متهم مینمایند ولی به راحتی از کنار عدم موفقیت
 اولیه دنیای غرب در مواجهه با این ویروس و آمار
 وحشتناک تاخت و تاز کرونا در آن عبور میکنند؛ مدعی
 حمایت از حقوق ایران و ایرانی‌اند و خود را فرشته نجات
 ملت جا میزنند ولی به اسم ملت پالس جنگ و تحریم
 را به سردمداران غربی مخابره و برای طومار تحریم
 هرچه بیشتر مردم ایران امضا جمع میکنند! همیشه به
 دنبال تحریک جامعه ایران به اغتشاش بوده‌اند و حال
 رسیده‌اند به تشویق مردم برای احتکار کالا! چنان
 تلقی در اذهان مخاطبشان ساخته‌اند که گویی مهد
 دموکراسی است و هر آنچه در ایران اتفاق میفتد عین
 حکومت دیکتاتور نیست؛ ولی استاندارهای دوگانه‌شان در
 مواجهه با ادعای تقلب در انتخابات و حق آزادی
 اعتراضات مدنی با این تیتر نمایان میشود:

**باراک اوباما: ادعای تقلب در انتخابات دموکراسی را
 تضعیف میکند.**

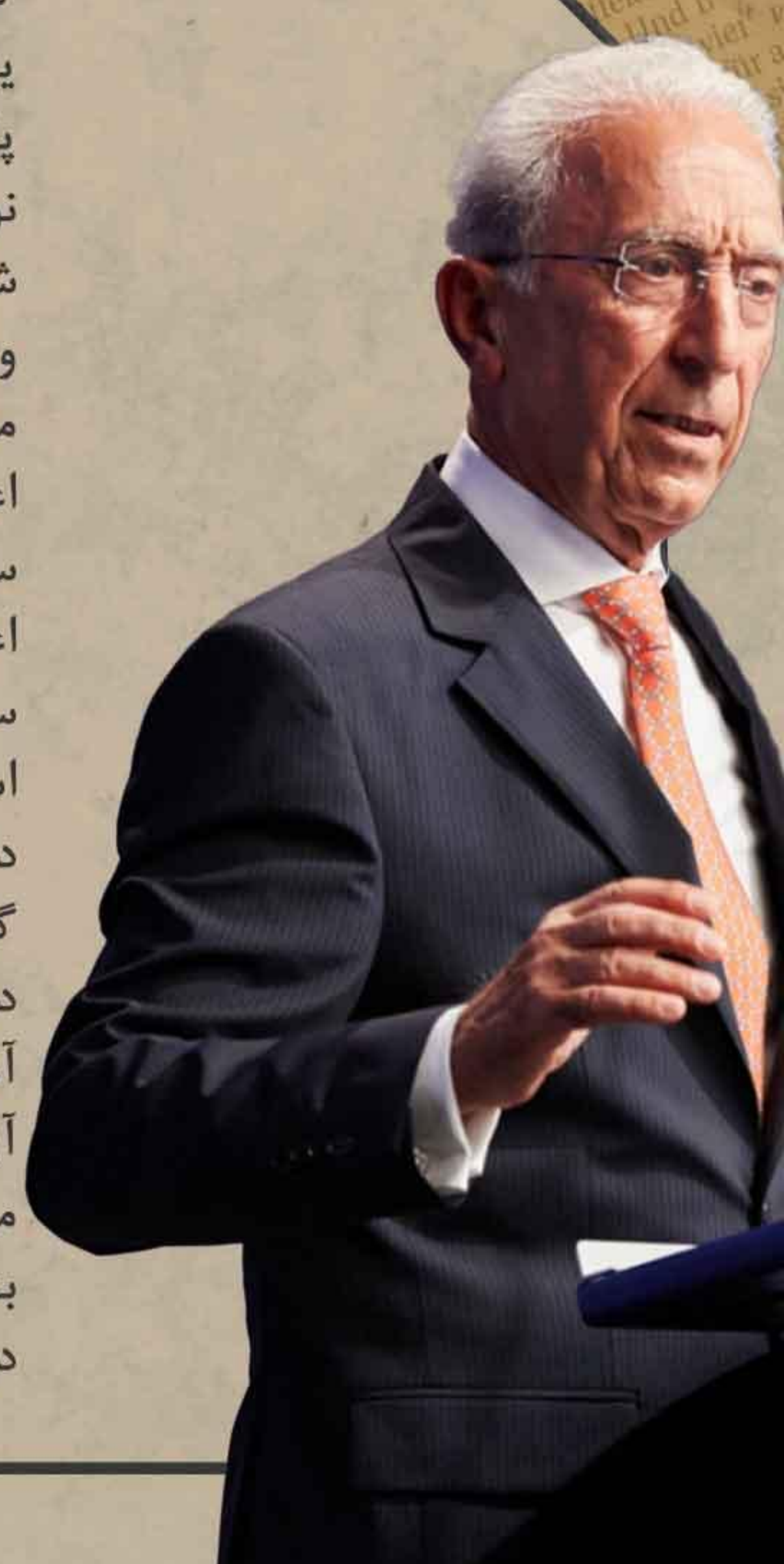
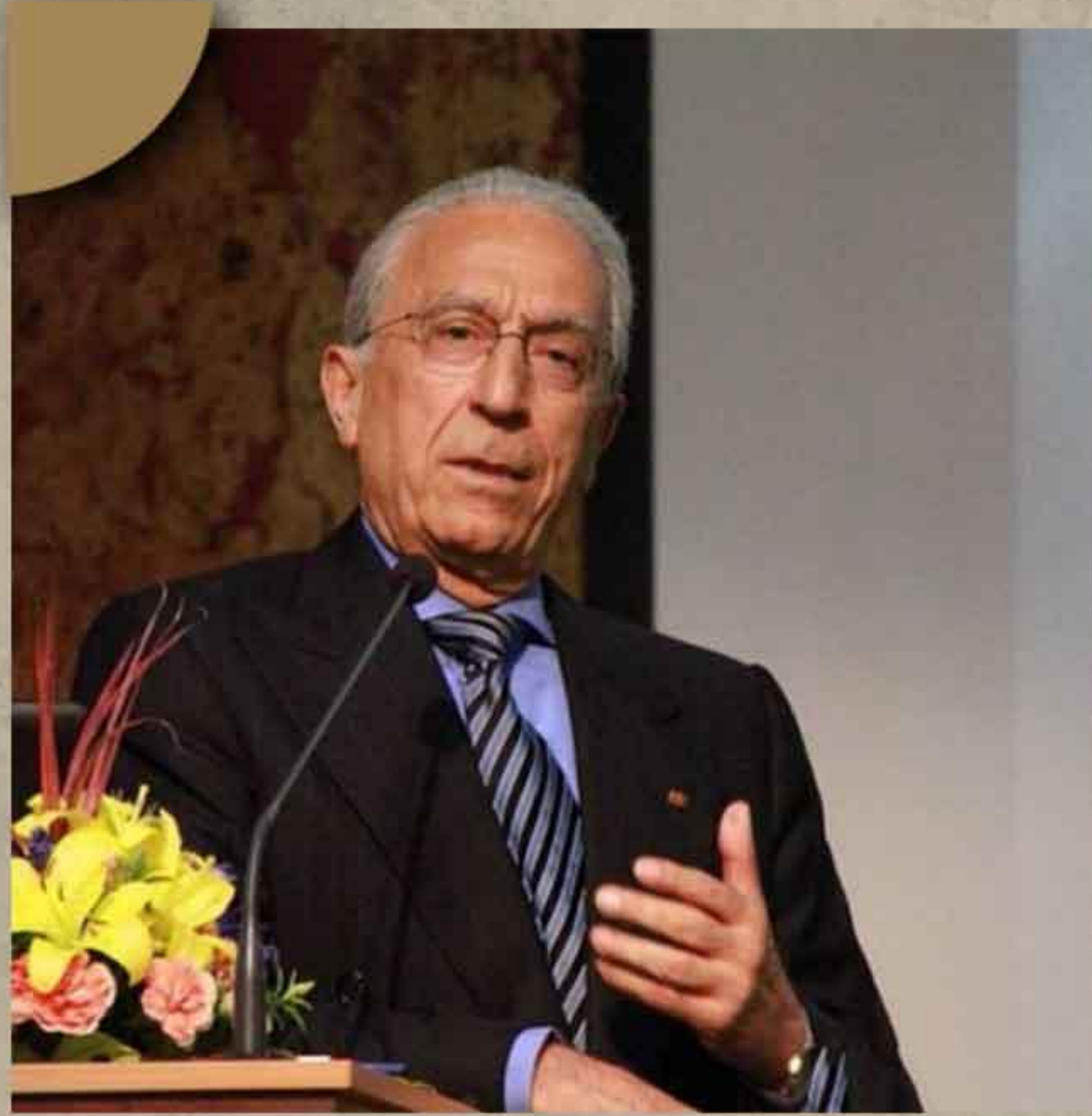
چشم بر روی تمام پیمان شکنی‌ها و بدعهدی‌های
 غرب در تعامل با ایران میبندند و به نحوی القا
 مینمایند تا مخاطب باور کند علت تمام مشکلات

کشورش، لجاجت صاحبان قدرت در عدم تبعیت از قوانین
 بین‌المللی و سازش با غرب است حال آنکه کاری به
 مفاد قطع نامه‌های شورای امنیت و برنامه جامع اقدام
 مشترک ندارند. سعی در فهماندن این گزاره به
 مخاطبشان‌اند که تنها راه، مذاکره (بخوان تسلیم) مقابل
 کدخاست ولی هیچ اشاره‌ای به عدم مشروعیت
 اقدامات یکجانبه‌گرایانه و قلدرمانه آمریکا ندارند.
 تنها راه پیش رو در این جنگ شناختی که پیاده نظام
 آن رسانه‌های هرزه‌ی محور **سعودی آمریکایی صهیونیستی**
 است که راه حل بسیاری از دیگر مشکلات حوزه تهاجم
 فرهنگی است به دست آوردن "روایت اول" است که اهتمام
 رسانه‌های داخلی همسو با سیاست‌های ملی از جمله
 صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را میطلبد.

**پالس مدیا
 بررسی وقایع از دید رسانه**



پروفسور سمیعی



جراحی مغز و اعصاب را در شهر هانوفر به عهده گرفت در همین سال، کرسی جراحی مغزو اعصاب در دانشگاه هانوفر به کار پرداخت. از سال ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۱ ریاست انجمن بین‌المللی قاعده جمجمه را به عهده داشت و در سال ۱۳۷۱ به ریاست فدراسیون جهانی انجمنهای قاعده جمجمه انتخاب شد در سال ۱۳۶۷، رییس جمهور آلمان نشان خدمت درجه ۱ دولت را به او اهدا کرد. در همین سال جایزه علمی ایالت نیدرزاکسن آلمان، به پاس فعالیت‌های پر ارزش وی در راه پیشرفت نوروسرجری به او اهدا شد همچنین جایزه برترین جراح مغز را در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ دریافت کرده است. از افتخارات ارزشمند دیگر جایزه لایبنیتز رینگ است که او به تربیت صدها پزشک آفریقایی پرداخت تا آن‌ها آموزنده دیگر پزشکان در قاره آفریقا باشند که هر ساله کنفرانسی را در یکی از کشورها به افتخار دکتر سمیعی برگزار می‌کند

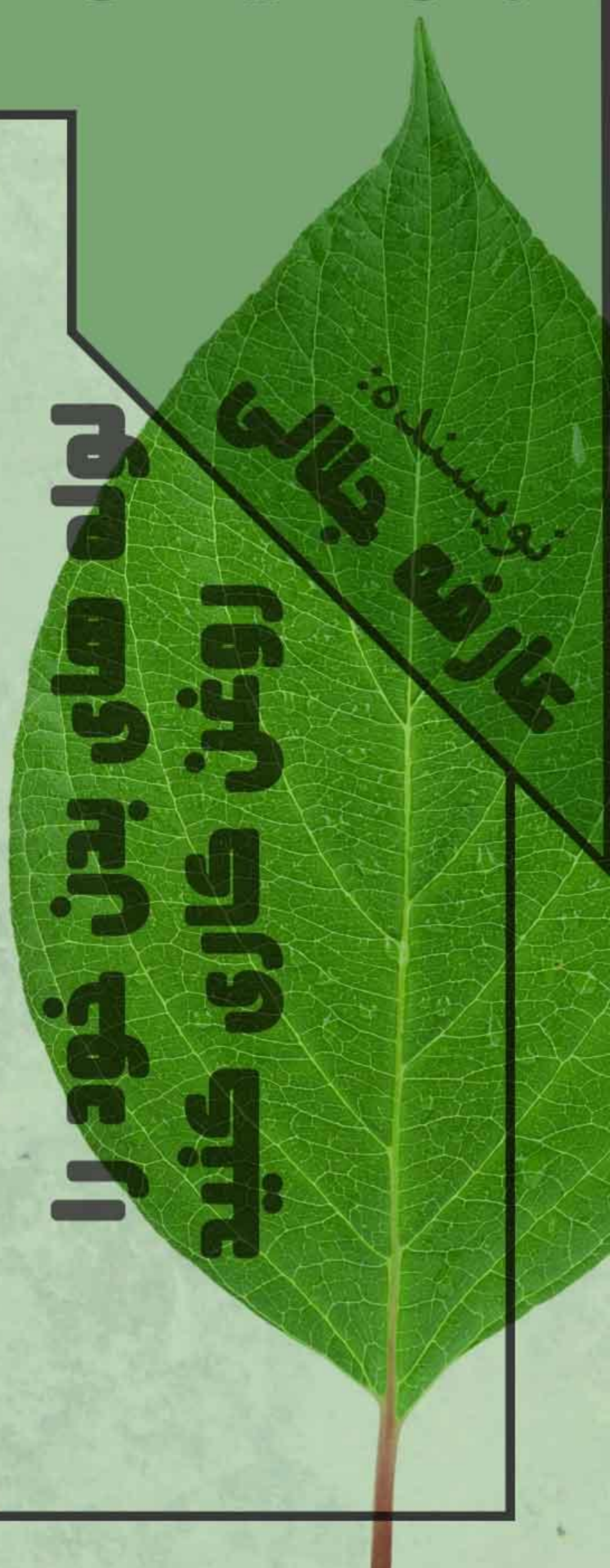
از تحصیل در محله ی تلفن خانه تا نشان افتخار درجه یک دولت فدرال آلمان

مجید سمیعی از خانواده‌ای رشتی و در شهر تهران زاده شد. پس از عزیمت خانواده از تهران به رشت و اقامت در محله تلفنخانه وی تحصیلات ابتدایی و دوره متوسطه را به پایان رسانید؛ سپس عازم آلمان گردید. رشته پزشکی را در دانشگاه یوهانس گوتنبرگ شهر ماینس به پایان رسانید و سپس دوره نوروسرجری را زیر نظر کورت شورمن شروع کرد. وی کار علمی را با سمت استادیاری و معاونت بیمارستان جراحی مغز و اعصاب آغاز کرد. پس از چندی سرپرستی بخش جراحی مغز و اعصاب اطفال را به عهده گرفت. در سال ۱۳۵۱ به اخذ درجه استادی جراحی مغز و اعصاب از دانشگاه یوهانس گوتنبرگ نایل گردید. در سال ۱۳۵۰ اولین دوره از دوران آموزشی جراحی میکروسکوپی را آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ نخستین آزمایشگاه تمرین جراحی میکروسکوپی آلمان را با کمک بنیاد فولکس واگن تأسیس نمود در سال ۱۳۵۶، ریاست بیمارستان

قرص گیاهی آرترودین داروگنده

بررسی جدیدترین داروهای تولید شده در ایران و جهان

قرص گیاهی آرترودین



کاربرد: برای تسکین درد های آرتروزی، زانو درد داروهای مسکن شیمیایی فراوانی وجود دارد. باین وجود امروزه بیماران در سراسر دنیا بیشتر راغب هستند که به جای مصرف داروهای شیمیایی از داروهای با منشا گیاهی با تکیه بر اثر ضد التهابی آنها بهره بگیرند که هم عوارض ناخوشایند کمتری نسبت به داروهای شیمیایی و سنتتیک متوجه آنها شود و هم اینکه از بهبودی پایاتری بهره مند گردند

مکانیسم اثر آرترودین

کندر موجود در این فرآورده قرص گیاهی آرترودین به دلیل دارا بودن بوزولیک اسید دارای خواص ضد التهابی است و از طریق مهار آنزیم سیکلواکسیژناز به حفظ سلامت مفاصل و به حفظ تمامیت غضروف کمک می‌کند. کندر همچنین در کاهش درد و التهاب مفاصل و اختلالات حرکتی ناشی از آرتروز موثر است. دانه کرفس از مفاصل محافظت می‌کند و در حذف ضایعات اسیدی تجمع یافته در بافت‌های پیوندی و یا مایعات ذخیره شده در اطراف مفاصل به کلیه کمک می‌کند. زردچوبه که یک ضد التهاب بسیار موثر است تاثیر مخرب رادیکال های آزاد را خنثی می‌کند. زنجبیل نیز به عنوان یک عامل ضد

التهاب بسیار قوی از مفاصل در مقابل تخریب و سایش محافظت می‌کند.

فارماکودینامیک

با افزایش سن، آسیب پذیری مفاصل بیشتر شده و ضربات و حرکات نامناسب مانند بد نشستن و یا برداشتن بار بیش از اندازه ممکن است باعث آسیب یا از بین رفتن کامل غضروف گردد. مفاصل ما ظرفیت محدودی دارند و کارکشیدن زیاد از آنها نتیجه ای جز تخریب ندارد. مهمترین عامل بروز آرتروز، سبک زندگی ناسالم و عاداتهای حرکتی غلط است. چاقی یکی از عوامل مستعد کننده ابتلا به آرتروز زانو است که فشار مکانیکی وارده به مفاصل را اضافه می‌کند

قرص گیاهی آرترودین دینه به دلیل خواص ضد التهابی و وجود مواد آنتی اکسیدان، به حفظ سلامت مفاصل کمک کرده، همچنین باعث تسکین درد و التهاب در استئوآرتریت و آرتريت روماتوئید می‌شود

موارد مصرف:

- حفظ سلامت بافت مفاصل - ضد التهاب مفاصل در استئوآرتریت و آرتريت روماتوئید

اجزاء و مواد موثره:

- عصاره رزینی تغلیظ شده کندر - عصاره دانه کرفس - عصاره ریزوم زردچوبه - زنجبیل

دستور مصرف:

روزانه یک الی دو بار هر بار ۱ قرص (ترجیحا همراه غذا)

تداخلات دارویی:

در مصرف همزمان با عوامل ضد انعقاد، ضد پلاکت، هپارین های با وزن مولکولی پایین و عوامل ترومبولیتیک به دلیل افزایش احتمال خونریزی احتیاط شود.

عوارض جانبی:

ممکن است عوارض جانبی گوارشی چون درد شکمی، تهوع و سوزش سردل، احساس سیری، بی اشتها و تجمع گاز ایجاد شود.

موارد منع مصرف:

- حساسیت به هر یک از اجزای فرآورده - در صورت وجود سنگ های کیسه صفرا با مشورت پزشک مصرف شود. - در افراد با افزایش ترشح اسید معده یا زخمهای گوارشی مصرف نشود.

مصرف در بارداری و شیردهی:

مصرف آن در دوران بارداری و شیردهی توصیه نمی‌شود مگر بنا به دستور پزشک.





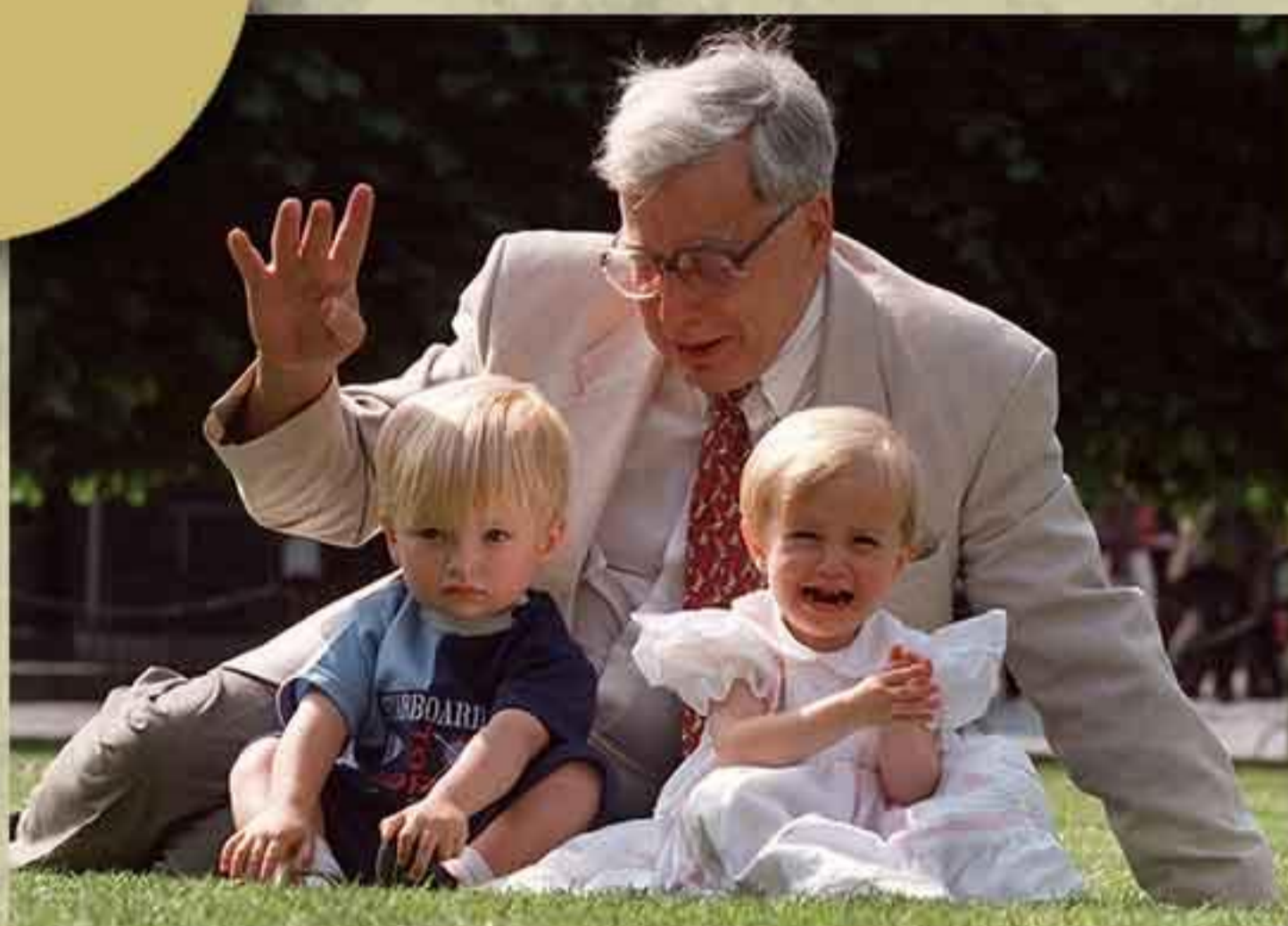
دیوانه ات که خواندند، سکوتی بیش لازم نیست رویاهایت را که نادیده گرفتند، لبخندی بیش لازم نیست قدم هایت را که به تمسخر گرفتند، نگاهی بیش لازم نیست از ناممکن ها که گفتند، تو از ممکن ها بگو ...
نادیده بگیر دنیای بی رنگ و لعابشان را .
به تمسخر بگیر رویاهای بی قد و قوارشان را و گذر کن روزگار بی این آدم ها هم می شود .
ولی روزگار بی رویایت ...؟! بعید میدانم ...

سزارین در انگلیس به دنیا آمد. والدین او، لسلو و جان، برای ۹ سال تلاش کرده بودند که بچه دار شوند، اما به علت انسداد لوله های تخمدان لسلو موفق نشده بودند.



۴. سنگ های بزرگ : بی دینی از یک سو و دیوانگی از سوی دیگر مدتی بعد از هیاهوی روشی که رابرت ابداع کرده بود، مشکلات و حواشی رخ نمایان کرد.

رویان شناسان به او لقب دیوانه دادند و خط و نشان کشیدند که بعد از تولد اولین نوزاد حاصل از این روش، خود را باید برای از بین بردن این نوزاد عجیب و ناقص الخلقه، آماده کند.

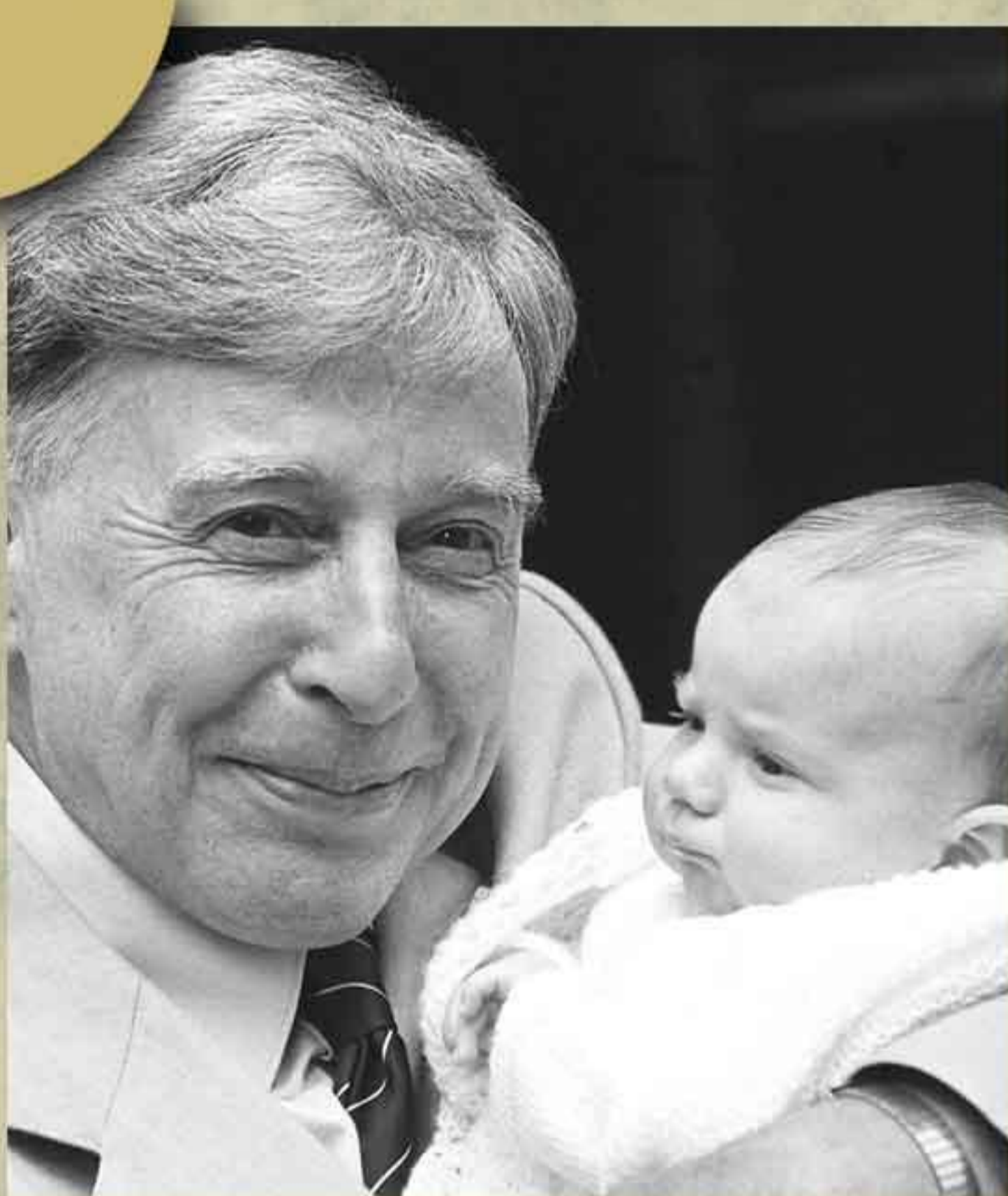


دین داران به خصوص بزرگان مسیحیت، او را یک بی دین نامیدند که در خلقت خدا دخالت کرده و نظام آفرینش را مختل خواهد کرد.

۵. و حالا ...
IVF

یکی از مرسوم ترین روش های درمان ناباروری ست.

کجایند آن دین داران بی علم و عالمان بی دین که چیزی از کرامتی که به انسان به عنوان اشرف مخلوقات داده شده، نمیدانند ...



۱. رابرت ادواردز، دانشمند انگلیسی که پدر "نوزاد آزمایشگاهی" به حساب می آید، بوسیله هیات داوران جایزه نوبل به خاطر کارش در زمینه لقاح آزمایشگاهی (IVF)، که نقطه عطفی در پزشکی به حساب می آید، برنده جایزه نوبل پزشکی ۲۰۱۰ اعلام شد.

رابرت جی. ادواردز سال ۱۹۲۵ در منچستر، انگلستان متولد شد. پس از جنگ جهانی دوم به تحصیل زیست شناسی در دانشگاه های ولز و ادینبورگ پرداخت و در سال ۱۹۵۵، دکترای خود را در مورد توسعه جنینی موش ها دریافت کرد. در سال ۱۹۵۸ به عضویت هیات علمی انستیتو ملی تحقیقات پزشکی لندن درآمد و تحقیقات خود را بر روش های لقاح انسانی متمرکز کرد.

۲. شیوه IVF شامل گرفتن تخمک از زن و بارور کردن آن در ظرف آزمایشگاهی با اسپرم اهدایی مرد است. سلول تخم حاصل تقسیم می شود و به آن اجازه داده می شود به مرحله رویان چندسلولی به برسد و بعد این رویان در درون رحم زن کاشته می شود تا به رشد خود ادامه دهد و نهایتاً به صورت یک نوزاد در آید.

۳. اولین بار ... لوئیس براون، اولین نوزاد آزمایشگاهی، دختری با وزن ۲.۶۱ کیلوگرم به روش

نویسنده:
زینب تاران

متخصص

عالم
آزمایشگاهی



بیمار و شناسائی وی مطابق اصول علمی از بیمار پرستاری نمایند و نیز در واحد مراقبت های ویژه از بیماران بدحال مراقبت کنند. کاردان ها و کارشناسان هوشبری نمی توانند مستقلاً به امر هوشبری بپردازند و موسسات و بیمارستان ها حق ندارند آنان را مستقلاً بکار گمارند.
با ارائه این رشته در مقطع ارشد اهمیت به روز بودن و توانمندی فارغ التحصیلان این رشته غیر قابل انکار است بنابراین پیشنهاد میکنیم، حتماً برای ارتقای سطح آموزش خود و البته توانمند بودن هر چه بیشتر در حیطه کاری که انجام می دهد سعی در ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را داشته باشید.

های ارشد وزارت بهداشت می توانند شرکت کنند. در ادامه لیست رشته های مجاز را به شما ارائه خواهیم داد.
رشته های مجاز ارشد هوشبری
فارغ التحصیلان کارشناسی هوشبری می توانند در رشته های ارشد هوشبری از جمله آموزش پزشکی، اپیدمیولوژی، فناوری اطلاعات سلامت، تکنولوژی گردش خون، علوم تشریح، فیزیولوژی، ICU، NICU، اتاق عمل، زیست فناوری پزشکی، انفورماتیک پزشکی، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، نانو تکنولوژی پزشکی، مهندسی پزشکی، آمار زیستی، سلامت و ترافیک، اقتصاد بهداشت و... ادامه تحصیل دهند.

بعد از اتمام دوره هوشبری، فارغ التحصیل این رشته باید بتواند، دستگاه های اندازه گیری گازهای خون و سایر وسایل آزمایشگاهی مربوط به رشته بیهوشی را به کار بگیرد. باید بتواند بیهوش ساختن بیمار را تحت نظر متخصص شروع کنند و از بیمار بیهوش مراقبت های قلبی - تنفسی بعمل آورند و در بازگرداندن بیمار از اثرات بیهوشی با متخصص بیهوشی همکاری نمایند. یک فارغ التحصیل رشته هوشبری باید بتواند دستگاه های بیهوشی و ما نیتورهای مختلف (تجهیزات کنترلی) مورد استفاده در اتاق عمل و واحد مراقبت های ویژه و دستگاه های تنفس مصنوعی را بخوبی بشناسند، قادر به استریلیزاسیون آنها باشد. با مطالعه پرونده

کارشناسی ارشد هوشبری رشته ی هوشبری امسال به رشته های ارشد علوم پزشکی اضافه شده است.

منابع کارشناسی ارشد آموزش هوشبری

در کنکور ارشد هوشبری با توجه به جدید بودن رشته هوشبری در مقطع کارشناسی ارشد اکثر داوطلبان از منابع کارشناسی ارشد هوشبری مطلع نیستند. جهت اطلاع این دوستان باید گفت مواد امتحانی شامل اصول و روش های بیهوشی با ضریب ۳، بیهوشی و بیماری های همراه با ضریب ۲، داروشناسی اختصاصی هوشبری با ضریب ۲، درس مراقبت های ویژه با ضریب ۱ و درس مبانی آموزش پزشکی با ضریب ۲ است.

با اعلام رشته های مجاز ارشد هوشبری دو سوال مهم برای داوطلبان ایجاد می شود:

۱. با کارشناسی چه رشته ای می توان در مقطع ارشد هوشبری ادامه تحصیل داد؟؟ توجه داشته باشید در حال حاضر آنچه که در دفترچه مدارک تحصیلی مورد پذیرش اعلام شده داوطلبان تنها با داشتن کارشناسی هوشبری می توانند در مقطع ارشد هوشبری وزارت بهداشت شرکت کنند. بنابراین می توان گفت تنها فارغ التحصیلان کارشناسی هوشبری می توانند در مقطع ارشد هوشبری ادامه تحصیل دهند.

۲. با کارشناسی هوشبری در چه رشته هایی در مقطع ارشد می توان شرکت کرد؟؟ داوطلبان با داشتن مدرک هوشبری در بسیاری از رشته



نبرد بی پایان (قسمت دوم)

ویرایش اپیدمی



آنفلوآنزای ۱۹۱۸

بیماری همه‌گیر COVID-19 اغلب با بیماری همه‌گیر آنفلوآنزای H1N1 در سال ۱۹۱۸ یا آنفلوآنزای اسپانیایی مقایسه می‌شود، حتی اگر از آن زمان سه بیماری همه‌گیر عمده دیگر وجود داشته باشد. بنابراین این شیوع ویروس کرونا چگونه با آن مقایسه می‌شود؟

در مقابل، همه‌گیری آنفلوآنزای خوکی ۲۰۱۰-۲۰۰۹ - همچنین H1N1 مانند آنفلوآنزای اسپانیایی - به نظر می‌رسد نسبتاً خفیف باشد زیرا به بیشتر افراد آلوده نیاز به بستری شدن در بیمارستان ندارد. با پایان همه‌گیری در سال ۲۰۱۰، سازمان بهداشت جهانی (WHO) حدود ۱۸۵۰۰ مورد مرگ تأیید شده را گزارش کرد، اگرچه با توجه به اینکه بسیاری از مرگ‌ها گزارش نشده بودند، این رقم به طور قابل توجهی بالاتر بود. مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های ایالات متحده (CDC) تخمین زده اند که احتمالاً ۵۷۵،۴۰۰-۱۵۱،۷۰۰ نفر را کشته است. آنها محاسبه کردند که از ۱ آوریل تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹، ویروس باعث کشته شدن بین ۱۲۳،۰۰۰ تا ۲۰۳،۰۰۰ نفر در جهان شده است.

آنفلوآنزای آسیایی مانند COVID-19 بیشتر افراد بالای ۶۵ سال را از بین برد. آنفلوآنزای اسپانیایی از نظر متفاوت به ویژه در جوانان و افراد سالم متفاوت بود - نیمی از افرادی که فوت کردند بین ۲۰ تا ۴۰ سال سن داشتند و ۹۹ درصد آنها کمتر از ۶۵ سال بودند. به همین ترتیب، ۸۷ درصد از مرگ و میرها در همه‌گیری آنفلوآنزای خوکی در سال ۲۰۰۹ در افراد زیر ۶۵ سال بود

سارسی

سندرم تنفسی حاد شدید سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ موسوم به (SARS) شیوع اولیه سندرم حاد تنفسی حاد کرونا ویروس ۲ (SARS-CoV-2) ، ویروسی که باعث COVID-19 می‌شود، در دسامبر ۲۰۱۹ در ووهان چین بود. از اکتبر ۲۰۲۰، ویروس به ۳۵.۵ میلیون نفر رسیده است. موارد و باعث ۱.۰۴ میلیون مرگ در سراسر جهان است.

SARS-CoV-2 معمولاً با علائمی از جمله درجه‌ی حرارت بالا و سرفه خشک مداوم آغاز می‌شود. با این حال، بسیاری از افراد هیچ علائم COVID-19 از خود نشان نمی‌دهند، و این امر تلاش برای شناسایی افراد آلوده به این بیماری و مهار شیوع آن را پیچیده می‌کند

علائم اصلی بیماری: تب، علائم تنفسی، سرفه، احساس ناخوشی

مقایسه

شش ویروس کرونا ویروس انسانی مشابه SARS-CoV-2 است و به همین ترتیب مقایسه‌های زیادی بین همه‌گیری‌های قبلی، از همه‌گیری‌های SARS ۲۰۰۲ و MERS ۲۰۱۲ گرفته تا طاعون بوبونیک قرن ۱۴ انجام شده است.

مقایسه مستقیم بین همه‌گیری‌ها از آنجائیکه همه آنها در شرایط خاص توسعه می‌یابند، از ماهیت متفاوت خود بیماری تا زمینه‌های متغیر اجتماعی و سیاسی که در آن همه‌گیر ایجاد می‌شود، می‌تواند دشوار باشد.

به عنوان مثال، بیماری همه‌گیر آنفلوآنزا H1N1 در سال ۱۹۱۸ (که آنفلوآنزای اسپانیایی نامیده می‌شود) در طول جنگ جهانی اول رخ داد، به این معنی که سربازان در حال مسافرت بودند و ویروس را در سراسر جهان منتشر می‌کردند. با استفاده از SARS-CoV-2، اقدامات قفل محکم در اوایل بیماری همه‌گیر اعمال شد، که گسترش بیماری را حتی در شهرها محدود کرد.

علاوه بر این، پیشرفت‌های علمی و پزشکی و دانش همه‌گیری‌های قبلی اکنون به درک، کنترل و متوقف کردن همه‌گیری‌ها کمک می‌کند. به عنوان مثال، دانشمندان اکنون می‌توانند بیماری‌های جدید را راحت‌تر شناسایی کنند و در نتیجه می‌توان با شیوع سریع‌تری به این بیماری دست یافت.

اقدامات بهداشتی در مراکز درمانی معاصر نیز بسیار بهتر است زیرا درک بیشتری از نحوه انتشار بیماری‌ها وجود دارد. با این حال، بسته به میزان عفونی بودن بیماری و شدت علائم، تضمین نمی‌شود که به طور کامل از بیماری‌های

همه‌گیر، همه‌گیر یا مرگ‌جلوگیری شود.

ریشه‌های بیماری

بیماری‌ها می‌توانند از منابع مختلف به انسان منتقل شوند، از باکتری‌های منتقل شده از طریق گزش کک گرفته تا ویروس‌هایی که از حیوانات به انسان می‌رسند.

منابع هفت بیماری همه‌گیر عمده شامل:

آنفلوآنزای ۱۹۱۸ و ۲۰۰۹ (H1N1): خوکی‌ها در سال‌های ۱۹۱۸ و ۲۰۰۹.

آنفلوآنزای مرغی (H5N1) و A (H7N9): پرندگان و طیور طاعون بوبونیک: *Yersinia pestis*، باکتری مشترک انسان و دام که در کک و مک و پستانداران کوچک یافت می‌شود

COVID-19: تا اوت ۲۰۲۰ تأیید نشده است، اما احتمالاً از یک منبع خفاش ناشی شده است

ابولا: خفاش‌ابولا: خفاش

MERS-CoV: خفاش

SARS-CoV: خفاش

گسترش بیماری

اگر شیوع آن در شهری آغاز شود، به دلیل نزدیکی ساکنان، خیلی سریع گسترش می‌یابد. این در همه‌گیری SARS در هنگ‌کنگ در سال ۲۰۰۳ و با شیوع بیماری ابولا در کوناکری، فری تاون و مونروپا از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ دیده شده است.

SARS-CoV-2 تا حدی به سرعت از ووهان در سرتاسر چین پخش شد زیرا ووهان یکی از مهمترین مراکز ترافیکی در چین مرکزی است. شیوع SARS-CoV-2 نیز در جریان جشنواره بهار رخ داد، به این معنی که تعداد زیادی از مردم در ووهان، در حال مسافرت بودند و ویروس را در سراسر کشور پخش می‌کردند

افزایش جهانی شدن، که به طور فزاینده‌ای شاهد تعداد زیادی از افراد به طور منظم در سطح جهان است، همچنین باعث شده است ویروس SARS-CoV-2 به سرعت در سراسر کشور گسترش یابد، و تقریباً چند ماه طول کشیده است تا تقریباً به همه کشورهای جهان برسد.

با این حال، برخلاف SARS-CoV-2، همه ویروس‌ها از طریق قطرات در عطسه و سرفه پخش نمی‌شوند.

انتقال‌های مختلف بیماری برای هفت بیماری همه‌گیر عمده شامل موارد زیر است:

آنفلوآنزای ۱۹۱۸ و ۲۰۰۹ (H1N1): قطرات تنفسی، سطوح آلوده آنفلوآنزای مرغی H5N1 و H7N9: تماس با طیور و پرندگان زنده یا مرده آلوده یا به ندرت در تماس طولانی مدت با انسان آلوده منتشر می‌شود. H7N9 از طریق تماس با طیور آلوده پخش می‌شود.

طاعون بوبونیک: نیش کک

COVID-19: قطرات تنفسی، مدفوع، سایر ترشحات بدن.

ابولا: تماس با خون یا مایعات بدن آلوده

MERS-CoV: قطرات تنفسی

SARS-CoV: قطرات تنفسی

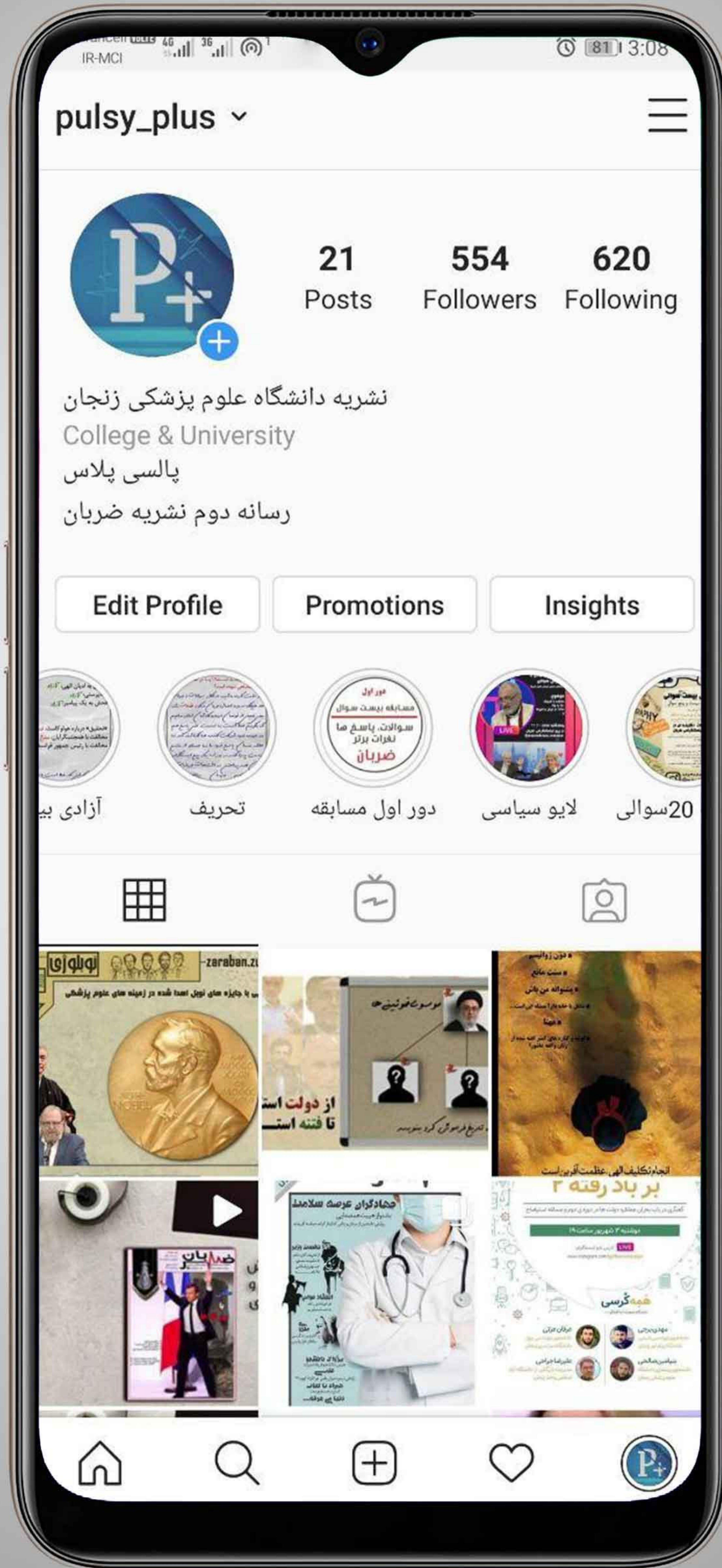
<https://www.who.int/ar/emergencies/diseases/novel-coronavirus-2019-farsi/advice-for-public-farsi/q-a-similarities-and-differences-covid-19-and-influenza-farsi>

<https://www.news-medical.net/amp/health/How-does-the-COVID-19-Pandemic-Compare-to-Other-Pandemics.aspx>

نازنین لوائی - علوم پزشکی زنجان







ضربان را، در اینستاگرام دنبال کنید
PULSY_PLUS